

این دو مسئله را مخلوط نباید کرد و البته هر اقدامیکه لازم است از طرف دولت باید بشود که وسائل آزادی مردم را فراهم بیاورند ولی توقیف انتخابات هم مخالف قانون است یکنفر که سهل است اگر پنج نفر هم کشته شود انتخابات نباید توقیف شود و خوب نیست ما امروز رأی بدهیم بعهده انتخابات توقیف شود چون گاهی اتفاق می افتد که مجلس شورای ملی نیست و در آن صورت ممکن است تمام انتخابات را توقیف نمایند در آن صورت ممکن نیست که مجلس شورای ملی تشکیل شود بجهت اینکه هر جا کاندید مختلف پیدا شود و شکایت برسد دولت حق خواهد داشت انتخابات را توقیف کند چنانچه در بعضی نقاط هم در این چند سال این اتفاق افتاده بوسیله انتخاب همدان است که دو سال توقیف شد و وکلایش را تازه میبینیم و همچنین انتخابات زنجان و غیره که مدتی توقیف شده و اگر امشب ما این مطلب را تصویب کنیم خیلی مضرات عمومی برای آتیه خواهد داشت مگر اینکه وقتی قانون انتخابات از کمیسیون بمجلس برگشت ترتیبی پیش بینی کنند و البته هر طوری که مجلس رأی بدهد آنطور عمل خواهد شد والا مادام که این قانون انتخابات موجود است این شکایات مانع از جریان انتخاب نخواهد بود ولی کلیتاً در اساس آن بنده مسأله موافقم و البته تمهیدات آسایش اهالی مهم تر است اما چیزی که هست این است که غلط باشد و بمجلس بیاید بکمال خوبی از مجلس رد میشود چنانکه اغلب انتخابات هم در همین مجلس رد شده ما هم نفرین کرده ایم تمام انتخابات را قبول نمائیم

رئیس - آقایان صلاح میدانند بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتیه

جلسه پس فردا سه ساعت قبل از غروب و دستور آن اولاً بقیه شور دوم در لایحه شورای عالی معارف ثانیاً مذاکرات در راپورتی که از کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات رسیده است

شیخ الاسلام اصفهانی - اجازه می فرمایید؟ بنده در دستور عرضی دارم

رئیس - بفرمائید

شیخ الاسلام اصفهانی - مطابق ماده پنجاه و نهم نظام داخلی لایحه آب کارون محتاج بشور دوم نیست ولی وقتی بنده ملتفت شدم موقع گذشته بود و مجلس رأی داده است البته روح قانون هم اجازه میدهد که هر قدر در یک لایحه هورزیادتر بشود بهتر خواهد بود بنا بر این تقاضا دارم شور ثانوی را در دستور جلسه پس فردا قرار دهند زیرا بطوریکه عرض کردم لازم نیست پنج روز فاصله بین دو شور بشود

رئیس - چندین فقره پیشنهاد در آن خصوص داده شده که تمام آنها باید برود بکمیسیون و در آنجا مذاکرات مفصلی راجع بانها بشود و گمان نمیکنم تا پس فردا حاضر شود و بعلاوه بایستی لافل بیست چهار ساعت قبل لوایح طبع و توزیع شود بنابراین گمان نمیکنم تا روز شنبه حاضر نخواهد بود آقای وحید الملک در موضوع دستور حرفی دارید؟

وحید الملک - بلی

رئیس - بفرمائید

وحید الملک - در چند جلسه قبل آقای فهیم الملک در موضوع معاصبات آقای آذری سؤال کردند و آقای حاج شیخ اسدالله از نقطه نظر کمیسیون بودجه شروع بشرح قضیه فرمودند ولی اظهارات ایشان نا تمام ماند و موکول بجلسه بعد شد در جلسه بعد هم اظهاری از طرف آقای حاج شیخ اسدالله نشد بعد از آن روز هم یک اعلانی از طرف آقای کفیل وزارت مالیه در بعضی جراید خوانده شد که در آنجا اظهار میدارند تمام معامله چهار صد هزار لیره بیشتر نموده است و البته در حین معامله ده یا دوازده کرور تفاوت حاصل نمیشود بعد از آن باز یک کاغذی از طرف آقای آذری در روزنامه ها دیده شد و در آن کاغذ مبلغ را دو کرور تنزل داده و ده کرور گفته اند و در آن کاغذ اظهار میکنند که میتواند ثابت نماید ده کرور تفاوت عمل شده این است که بنده تقاضا میکنم اگر آقایان موافق باشند در جلسه آتیه آقای حاج شیخ اسدالله یا مغیر کمیسیون بودجه اطلاعاتی که در این زمینه دارند بفرمایند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بلی بنده آن شب يك مضموری راجع باین موضوع عرض کردم ولیکن قضیه هنوز خاتمه پیدا نکرده زیرا صورت رسمی از طرف بانک نیامده بود که يك راپورتی از کمیسیون بودجه بمجلس تقدیم شود تا پس فردا تصور نمیکنم ما بتوانیم يك راپورت رسمی بمجلس شورای ملی بیاوریم

رئیس - از طرف کمیسیون بودجه آقای سهام السلطان اظهاری دارند؟

سهام السلطان - در جلسه بعد نتیجه مقدماتی را که ممکن است بنده بیان کنم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده در دستور عرض دارم يك راپورتی چندی قبل از طرف کمیسیون خارجه رسید راجع بمأمورین سیاسی که در خارجه اقامت دارند و چون بنظر بنده این راپورت اهمیت دارد و در جریان سیاست خارجه ما ممکن است

موضوع مهمی را اشغال کند خوب است دستور جلسه آتیه بشود

رئیس - آنرا هم اگر مخالفی نباشد جزء دستور میگذاریم (گفتند مخالفی نیست)

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۷۷

صورت مشروح مجلس

یوم پنجشنبه هیجدهم

برج حوت ۱۳۰۰ مطابق

نهم شهر رجب المرجب ۱۳۴۰

مجلس دو ساعت قبل از غروب برپاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم سه شنبه شانزدهم حوت را آقای سهام السلطان (قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا نه؟ آقای ملک الشعراء (اجازه)

ملک الشعراء - بنده يك اصلاح عبارتی راجع بکوه رنگ و کارون پیشنهاد کرده بودم کمیسیون هم آن اصلاح را قبول کرده ولی در صورت مجلس قید نشده است

رئیس - آقای حاج امین التجار (اجازه)

میرزا سید حسن کاشانی - بنده هم يك پیشنهادی

رئیس - آقای حاج امین التجار (اجازه)

حاج امین التجار - بنده هم يك اطلاعاتی راجع بسوء جریان انتخابات آباده داشتم که عرض کرده بودم ولی در صورت مجلس هیچ ذکر نشده

رئیس - آنهم نوشته میشود - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی (اجازه)

میرزا سید حسن کاشانی - بنده هم يك پیشنهادی برای اصلاح ماده دوم کرده بودم در اینجا نوشته نشده است

رئیس - پیشنهاد جنابعالی هم جزو همین یازده فقره پیشنهاد است که در صورت مجلس ذکر شده شاهزاده محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - چون در صورت مجلس راجع بمسئله انتخابات آباده همین قدر نوشته شده که بنده باتوقیف انتخابات مخالف بودم و مخالف قانون میدانستم و حال آنکه بنده آزادی اهالی را هم در انتخابات لازم می دانستم خوب بود باین مسئله هم اشاره می شد که تصور نشود در این موضوع ساکت بودم

رئیس - دیگر اعتراضی نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - پس از این چهار فقره اصلاح صورت مجلس تصویب شد يك تلگراف راجع بانتخابات آباده از شاهزاده نصرت السلطنه بوزارت داخله رسیده و از آنجا بمجلس فرستاده شده قرائت میشود (آقای آقا میرزا ابراهیمخان بشرح ذیل قرائت نمودند)

نمره ۷۳۵۷

وزارت جلیله داخله

تلگراف نمره ۳۴۰۴ راجع بمشاعره رئیس انجمن نظار و وکیل الریای آباده واصل از قرار راپورت واصله وکیل الریایا باالسلحه بانجمن ورود نموده از مخالفت انجمن از ورود باالسلحه بنای فحاشی را بشیخ الاسلام رئیس انجمن گذارده انجمن از این حرکت بتخیال استعفا بوده مأمور انتخابات با کمال استعجال جلو گیری نموده و چون هتاکی و فضاحت او در انجمن زیاده شده حکومت برای جلو گیری از فساد مرتکب راموقتا توقیف و پس از یکساعت او را مرخص نموده بمحض وصول خبر فوری دستورات لازمه داده شد که مراقبت و مواظبت نمایند و سوء جریانی رخ نهد

نمره ۷۳۵۷ نصرت السلطنه

رئیس - آقای کارزانی (اجازه)

کارزانی - عرض میکنم این تلگراف **رئیس -** این تلگراف فقط برای اطلاع آقایان قرائت شد ولی مذاکره در آن نخواهد شد اگر بخواهند آن را مورد مذاکره قرار دهند و اگر بخواهند باید وزیر داخله یا شخص دیگری را بخواهند تا در آن مذاکره کنند قانون شورای عالی معارف مطرح است آقای وحید الملک

(اجازه)

وحید الملک - بنده در این موضوع عرضی ندارم

رئیس - آقای شیخ الاسلام مقدم هستند

وحید الملک - عرض بنده راجع بدستور است

رئیس - بفرمائید

وحید الملک - این عرض بنده در مجلس مقدس سابقه دارد (ولی در نظام نامه داخلی مجلس شورای ملی مسلم نشده است) که وقتی شور در کلیات یکی از قوانین می شود و طرف او یکی از وزارتخانها است بهتر این است که خود وزیر تشریف داشته باشند و توضیحات لازم را بدهند بنابراین اگر آقایان موافقت دارند شور در کلیات قانون شورای عالی معارف باید تا وقتی که آقای وزیر معارف تشریف بیاورند و توضیحات لازم را بدهند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای وحید الملك - بنده با نظریه آقای وحید الملك مخالفم زیرا این لایحه از کمیسیون معارف گذشته و مخبر معترم کمیسیون هم هستند هر نظریه که مخالفین دارند بفرمایند تا آقای مخبر دفاع کنند بواسطه اینکه فعلا مقام تعیین است نه مقام اجرا و در مقام تعیین حضور مخبر کفایت میکند و محتاج بحضور وزیر نیست **وحید الملك** - اجازه میفرمائید عرض میکنم که

رئیس - آقای وحید الملك پیشنهاد میکنند که مذاکره در قانون شورای عالی معارف بماند تا یکساعت دیگر که آقای وزیر بیایند **وحید الملك** - اگر موافقت معارضات نیست

رئیس - رأی میگیریم در این پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند تمام فرمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد طرح قانونی پیشنهادی جمعی از آقایان راجع بنمایندگان سیاسی ایران در خارجه مطرح است و در این طرح دوهور خواهد شد فعلا شور در کلیات است آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - در این موضوع هم بهمان نظریه و فلسفه که آقایان راجع بتأخیر شورای عالی معارف فرمودند بنده این مسئله را هم نظیر آن میدانم بلکه مشکلاتی زیرا که نظریه آقای وزیر امور خارجه را در این باب نمیدانیم چیست (بعضی گفتند صحیح است) و لابد باید نظریات وزیر در این موضوع جلب شود مخصوصاً در این موضوع که از حیث قانونگذاری اهمیتش از قانون شورای عالی معارف زیادتر است در صورتیکه کمیسیون در موضوع قانون شورای عالی معارف نظریات خود را اتخاذ کرد و شور آخر او است معذالك آقایان فرمودند که بماند تا موقعی که آقای وزیر بیایند دفاع کنند (و همینطور هم باید باشد) در اینجا هم بهمان نظریه باید آقای وزیر خارجه تشریف داشته باشند و نظریات ایشان در این خصوص معلوم شود شاید ما در اینجا يك رأی بدیم آنوقت وزیر خارجه دچار مشکلاتی بشود بنا بر این گمان میکنم اگر آقای وزیر باشند و مذاکره شود بهتر باشد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه) **محمد هاشم میرزا** - عرضی ندارم **اقبال السلطان** - اجازه **اقبال السلطان** - بنده در اصل پیشنهاد عرضی ندارم **رئیس** - آقای سلیمان میرزا راجع بدستور است ؟

سلیمان میرزا - بلی **رئیس** - بفرمائید **سلیمان میرزا** - راجع بفرمایش آقای حاجی شیخ اسدالله عرض میکنم البته اصولاً باید در هر مذاکره وزیر هم باشد و در حضور مذاکره شود ولی فرق این مسئله با آن مسئله زیاد است اولاً این طرح قانونی پیشنهاد وزیر نیست که لازم باشد حضور داشته باشد و دفاع کند این طرح قانونی پیشنهاد خود نمایندگان است که قریب چهل پنجاه نفر از آقایان نمایندگان آنرا امضاء کرده اند و صاحبان امضاء حاضر هستند و هر توضیحاتیکه بخواهند خود امضاء کنندگان توضیح میدهند و دو شور هم در این طرح خواهد شد و اگر وزیر نظریه داشته باشد در شور آخر هم میتواند نظریات خود را بیان کند و موقع خواهد داشت ولی راجع بقانون شورای عالی معارف چون شور اخیر هم خواستیم که نظریات وزیر را هم بدانیم باین لحاظ رأی دادیم که بماند تا آقای وزیر بیایند ولی در این طرح فعلا شور اول است که يك شور کلی خواهیم کرد بعداً داخل در موادمی شویم و بعد از پنجروز شور تانی شروع خواهد شد و در تمام این مواقع اگر وزیر امور خارجه نظریاتی داشته باشد میتواند اظهار کند و ما هم گوش کنیم ولی این اصلی را که فرمودند که در هر شور يك طرح یا پیشنهاد قانونی باید وزیر مربوط باشد اگر اکثریت هم نظریه ایشانرا قبول کند باید آقای رئیس جلسه را ختم بفرمایند و ما هم برویم زیرا دیگر در دستور چیزی نداریم که طرف او وزیر نباشد اما طرف این لایحه بخصوص خود نمایندگان هستند و هر توضیحاتی که بخواهند آقایان امضاء کنندگان خواهند داد

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند تمام فرمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد طرح قانونی پیشنهادی جمعی از آقایان راجع بنمایندگان سیاسی ایران در خارجه مطرح است و در این طرح دوهور خواهد شد فعلا شور در کلیات است آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - در این موضوع هم بهمان نظریه و فلسفه که آقایان راجع بتأخیر شورای عالی معارف فرمودند بنده این مسئله را هم نظیر آن میدانم بلکه مشکلاتی زیرا که نظریه آقای وزیر امور خارجه را در این باب نمیدانیم چیست (بعضی گفتند صحیح است) و لابد باید نظریات وزیر در این موضوع جلب شود مخصوصاً در این موضوع که از حیث قانونگذاری اهمیتش از قانون شورای عالی معارف زیادتر است در صورتیکه کمیسیون در موضوع قانون شورای عالی معارف نظریات خود را اتخاذ کرد و شور آخر او است معذالك آقایان فرمودند که بماند تا موقعی که آقای وزیر بیایند دفاع کنند (و همینطور هم باید باشد) در اینجا هم بهمان نظریه باید آقای وزیر خارجه تشریف داشته باشند و نظریات ایشان در این خصوص معلوم شود شاید ما در اینجا يك رأی بدیم آنوقت وزیر خارجه دچار مشکلاتی بشود بنا بر این گمان میکنم اگر آقای وزیر باشند و مذاکره شود بهتر باشد

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند تمام فرمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد طرح قانونی پیشنهادی جمعی از آقایان راجع بنمایندگان سیاسی ایران در خارجه مطرح است و در این طرح دوهور خواهد شد فعلا شور در کلیات است آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

ماموری پنجسال در يك مملکتی توقف نماید و يك وقت مقتضی است که ششماه بماند وقتی که این مسئله را تصویب کنیم که مامورین سیاسی در خارجه بیش از پنجسال حق ندارند بمانند ممکن است يك وقت يك تربیتی پیش بیاید که وزیر امور خارجه صلاح بداند یا لازم باشد همان ماموری را که پنجسال در يك مملکت بوده مدت خدمتش را در آنجا ادامه بدهند و آقایانی که این پیشنهاد را کرده اند دو دلیل در مقدمه آن ذکر نموده اند که به عقیده بنده هر دوی آن قابل تردید است دلیل اول این است که اگر مامورین سیاسی در خارجه زیاد نمانند از بلیتیک ژنرال مملکت بیخبر می شوند بنده عرض میکنم بلیتیک مملکت یا ثابت است یا تغییر پذیر اگر ثابت باشد همان اطلاعاتی که از سیاست مملکت دارند برای آنها کافی خواهد بود چون در سیاست تغییری حاصل نشده و اگر سیاست تغییر پذیر است او باید تغییر پذیر هم باشد) آنوقت هر زمانی که سیاست مملکت تغییر کرد وظیفه وزیر خارجه است که مامورین خود را در هر مملکتی که باشد از سیاست مملکت خودش مطلع کند و هیچ لازم نیست که آن مامور را بطهران احضار کنند و مدتی هم در تهران متوقف باشند تا از سیاست مملکت مطلع شود دیگر اینکه اظهار فرموده اند طول مدت توقف در خارجه ممکن است سبب شود که زبان ملی خود را فراموش کنند خیلی محل تعجب است چگونه میشود که کسی بواسطه طول اقامت در خارجه زبان اصلی و مادری خود را فراموش کند البته مامورین خارجه در هر مملکتی که هستند بواسطه معاشرت با اتباع ایرانی تمام مذاکره و تکالمشان بزبان فارسی خواهد بود راپورتهای و مکاتبات آنها با وزارت خارجه بزبان فارسی است و لابد در آن محل چند کتابی دارند که مطالعه کنند و زبان مادری خود را فراموش نکنند بنده تصور میکنم این دودلیلی که اقامه فرموده اند چندان قابل توجه نیست و تصور می کنم اگر این طرح قانونی را تصویب کنیم وزیر خارجه را در اجرای مقاصد و تعیین مامورین خودش محدود کرده و دچار اشکالات کنیم و بالاخره بنده با این پیشنهاد با این دلالتی که عرض کردم مخالف هستم

رئیس - آقای وحید الملك مخالفند **وحید الملك** - خیر موافقم **رئیس** - بفرمائید **وحید الملك** - عرض می کنم

ملاوه بر فلسفه مفیده و اصل کلی و مهم قانون استخدام که بموجب آن کلیه مستخدمین دولت معین میشوند و از روی آن يك کسانی در مقابل تقصیر هائی که کرده اند ایام خدمتشان منقضی میشود از این اصل که گذشتیم يك اصل و يك فلسفه مفیدتری

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند تمام فرمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد طرح قانونی پیشنهادی جمعی از آقایان راجع بنمایندگان سیاسی ایران در خارجه مطرح است و در این طرح دوهور خواهد شد فعلا شور در کلیات است آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند تمام فرمایند اغلب قیام نمودند

هم در نظر گرفته شده است از برای پیشنهاد کردن این لایحه و آن اینست که خدمت خارجی و استخدام مامورین در خارجه باید بمنزله يك مدرسه باشد برای تهیه کردن مستخدم برای تهیه کردن مدیر برای مرتب کردن ادارات این خود يك اصل مهمی است مثلاً فرض کنید اشخاصی که از مدرسه سیاسی فارغ التحصیل می شوند و داخل در خدمت وزارت خارجه میشوند و ماموریت بهارج پیدا میکنند البته اینها در خارجه يك سلسله و یک رشته عملیاتی را که در کتاب خوانده اند برای العین خواهند دید و آن چیز هائی که نمیدانستند می آموزند و بالاخره يك مدرسه علمی را در زمان اقامت خود در خارجه طی میکنند و دوره این مدرسه به عقیده بنده چهارسال و پنجسال برای این مامور کافی است و اگر يك تمرینات علمی لازم داشته باشند البته در مدت ۴ و ۵ سال اقامت در يك پایتختی تحصیل خواهند کرد و بعد از این مدت باید برگردند بداخله مملکت خودشان و آن عملیاتی را که در خارجه آموخته اند و برای دیده اند در وطن خودشان عمل کنند و بموقع اجرا بگذارند این يك اصل مهمی است و هیچ يك از ما نمی توانیم منکر این اصل بشویم که مامورین معلوم اداری و انتظامات اداری محتاجیم و برای اینکار يك عده از مامورین خودمان که بهارج میروند و عملیات را برای العین می بینند کامل خواهند بود و باید از آنها استفاده بکنیم و این خود يك اصل مفیدی است که در نظر گرفته شده و نظر دیگر آن این است که آن آقایانی که در خارج تهریف دارند يك روابط و سلاسل و زنجیرهای خانوادگی در اینجا دارند و بوسیله آن زنجیرها مربوطند ولی رفتن رفته بواسطه طول اقامت در خارجه آن روابطی که دارند سست و گسیخته میشود و از مملکت و وطن خود دور می افتد ما نباید این کار را بکنیم ما باید سلاسل و رشته هائی را که مامورین خارجه با مملکت خود و یا خانواده خود دارند محکم تر کنیم نه سست تر و بوسیله آنها این است که مامورین خارجه پس از يك مدت معین توقف از خارجه بیایند بمملکت خودشان و اطلاعات جدیدی از وطن خود کسب کنند و يك اطلاعات تازه که از آنها کسب کرده اند بمانند و بمانند و يك استفاده از آنها بشود و بعینده بنده این دو اصل خیلی مهم و قابل توجه است اولاً چنانچه عرض کردم از آن علم و عملیاتی که در خارجه دیده و تحصیل کرده اند استفاده کنیم و دیگر آنکه آن علاقه و سلاسلی که عرض کردم منقطع نشود و بیایند مملکت خودشان

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند تمام فرمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد طرح قانونی پیشنهادی جمعی از آقایان راجع بنمایندگان سیاسی ایران در خارجه مطرح است و در این طرح دوهور خواهد شد فعلا شور در کلیات است آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - در این موضوع هم بهمان نظریه و فلسفه که آقایان راجع بتأخیر شورای عالی معارف فرمودند بنده این مسئله را هم نظیر آن میدانم بلکه مشکلاتی زیرا که نظریه آقای وزیر امور خارجه را در این باب نمیدانیم چیست (بعضی گفتند صحیح است) و لابد باید نظریات وزیر در این موضوع جلب شود مخصوصاً در این موضوع که از حیث قانونگذاری اهمیتش از قانون شورای عالی معارف زیادتر است در صورتیکه کمیسیون در موضوع قانون شورای عالی معارف نظریات خود را اتخاذ کرد و شور آخر او است معذالك آقایان فرمودند که بماند تا موقعی که آقای وزیر بیایند دفاع کنند (و همینطور هم باید باشد) در اینجا هم بهمان نظریه باید آقای وزیر خارجه تشریف داشته باشند و نظریات ایشان در این خصوص معلوم شود شاید ما در اینجا يك رأی بدیم آنوقت وزیر خارجه دچار مشکلاتی بشود بنا بر این گمان میکنم اگر آقای وزیر باشند و مذاکره شود بهتر باشد

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند تمام فرمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد طرح قانونی پیشنهادی جمعی از آقایان راجع بنمایندگان سیاسی ایران در خارجه مطرح است و در این طرح دوهور خواهد شد فعلا شور در کلیات است آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

و از سیاست مملکت مطلع شوند و روابط خود را تجدید کرده دوباره معاودت کنند کسی نیگوید که از خدمت بکلی خارج شوند بلکه ممکن است پس از مراجعت بایران در همان مدت توقف هم در خدمت وزارت خارجه بمانند یا در وزارت خانه های دیگر خدمت کنند و از عملیات آن ها استفاده بکنند و پس از یکسال دو مرتبه مأموریت گرفته برگردند .

رئیس - آقای مستشار السلطنه

مستشار السلطنه - غیر مخالف .

رئیس - بفرماید .

مستشار السلطنه - اگر چه بنده با قسمت عهد نظریات آقای وحید الملک موافقم ولی با موافقت وضع این قانون را زائد میدانم البته این نظریات صحیح است است و هر چه مأمورین کمتر در خارجه بمانند احساسات ملی آنها کمتر خلل ناپدید میشود هر چه زودتر بوطن خودشان بیایند و اخلاق و وضعیت جدید را بیاموزند بهتر خواهد بود ولی بنده نمی دانم وضع این قانون برای چیست؟ بعد از آنکه وزارت خارجه دیدیک آموزش در پاریس یا در لندن بقدر کفایت اقامت کرده اورا میفرماید و اطلاع میدهد که بیا اگر نیاید و برخلاف رای دولت متبوعه خودش رفتار کرد آن مأمور را وزارت خارجه نمی خواهد و از خدمت دولت خارج است و اگر مأموری پس از احضار متوسل به وسیله بشود که از طرف دولت باز مقيم باشد اصلاً هم چه مأموری وجود نداشته باشد بهتر است مأموری که برخلاف وظایف خودش رفتار کند لازم نیست در سر خدمت باشد بالاخره اگر وزارت خارجه يك مأموری را در خارج دید بقدر کفایت اقامت کرده و باید او را بخواهد که بایران بیاید و در این جا بر حسب اوقات يك پست دیگری را متکفل میشود و پس از آنکه مدتی این جا مانده دوباره بر میگردد این يك قضیه خیلی ساده است و لازم نیست برای این مطلب يك قانونی نوشته شود و تا این اندازه قابل اهمیت نیست ثانیاً شاید مقتضیات مملکت و منافع ملت در اوقات يك مأموری باشد که مجدداً چند سال اقامت کند این چه فائدی است که ما برای خودمان بترائیم که فلان مأمور مدت معینی باید در خارجه اقامت کند اگر مقتضی باشد ابقاء شود والاخر بالاخره بنده با کمال اختصار می گویم که با این نظریه مخالفم و اگر این مطلب تصویب شود ممکن است وزارت داخله یا وزارت خانه های دیگر هم قابل این اصل بشوند که ما هم باید يك مدت معینی در يك معنی باشد در صورتیکه بنده دارای این عقیده نیستم و میگویم هر مأموری در هر نقطه

که باشد اگر مقاصد دولت و مقاصد وزارت متبوعه خودش را کاملاً انجام داد باید همانجا بماند تا بیرون **فهم الملك** - مخبر کویبون - خارجه - مخالفتها می که از طرف آقایان نسبت باین طرح اظهار شد اگر در مسائل فقط ما قائل و معتقد بکلمات باشیم و بخواهیم داخل در عمل شویم بنده میتوانم با تمام فرمایشات آقایان موافقت کنم هم با فرمایشات شاهزاده اقبال و هم با فرمایشات آقای مستشار السلطنه و بایک الفاظ ادبی میگویند البته باید اوامر دولت را اطاعت کنند و نباید تخلف کنند از این البته ها خیلی گفته میشود اما گمان میکنم چه در این مورد وجه در موارد دیگر باید يك قدری از دائره الفاظ خارج و داخل در عملیات شد **(گفته شد صحیح است)**

مثلاً مأمورین يك وزارتخانه البته باید کاملاً مطیع اوامر آن وزارتخانه باشند تا بتوانند حقیقه بعد از يك مدت متداری اشخاص را برای اداره خودشان تهیه کنند و بررور ایام اطلاعات کاملی از ممالک مختلفه پیدا کرده باشند و در نقاط مختلفه در دوازده وزارتخانه های آنجا کار کرده باشند آیا ما هیچ مأمورین ترتیب شده داریم غیر تمام تقدرات مستخدمین ما بسته بویل واراده اولیای امور و وزراء است که هر وقت خواستند جسمی را خارج و اشخاص دیگری را بجای آنها میآورند و هر وقت هم صلاح دانستند بکنفرانقدری به سرکار میگذارند تا بیرون هر زمان برای يك کار بزرگ با کوچکی بکنفرانمستخلف بخواهند میگردند و میگویند کسی که اطلاع داشته باشد نیست در صورتی که شاهزاده هفده سال است ما در تمام اصول مشروطیت کار میکنیم و دارای يك ادارات و ترتیباتی هستیم و در يك معنی مملکتی بایستی لائول برای هر يك از کار هایش چندین نفر آدم تهیه شده باشد **(گفته شد صحیح است)**

متأسفانه بکنفرانمستخلف هم ندارد آقا اشاره فرمودند که برای حکام هم ممکن است معتقد شوند که معتقد است متبوعه بنده هم معتقد هستم و هر ض میگویم بکنفران حاکم اول باید حاکم يك بلوک بشود بعد چند بلوک بعد رفته رفته ولایت و بعد ایالت و بعد حاکم درجه اول و در اولی که حاکم يك بلوک شد او را تغییر بدهند از آنجا به يك بلوک دیگر و همینطور در تمام اکناف مملکت حکومت های مختلف برود که از اوضاع و نقاط مملکت کاملاً مطلع باشد آنوقت میتوان همچو شخصی را وزیر داخله کرد و چون او همه مملکت اطلاع کامل دارد **(گفته شد صحیح است)**

يك مأمور ما بپرا باید در تمام مملکت گرداند و از درجه باین کم کم ترقی داد تا او را وزیر مالیه کرد آنوقت با اطلاع کاملی که از همه نقاط مملکت دارد می-تواند مملکت را اداره کند همینطور وزارت خارجه که الان متجاوز از بیست سال است که باندامات اولیه آقای رئیس الوزراء حالیه دارای مدرسه سیاسی شده و عدتها برای ادارات وزارت خارجه تربیت کرده اند در سنوات اول که یکصد بیرون آمدند و آقای رئیس مجلس در آن زمان سکه رسمیت ریاست کابینه وزارت خارجه را داشتند اقدامات اولیه را کردند یعنی یکصد اشخاصی را فرستادند در خارجه و در صد هم بودند که آنها را تغییر و تبدیل بدهند که یکصد اشخاص تربیت شده داشته باشند ولی متأسفانه بعد از تشریف بردن ایشان از وزارت خارجه بوزارت فواید ما به دیگر این رشته مسکوت عنه ماند و تا کنون که بیست سال است هنوز قدمی برداشته نشده است مخصوصاً نسبت بمأمورین خارجه که يك جنبه دیگری دارد که ما مجبور هستیم باین پیشنهاد میفرمایند وزارت خارجه او را بخواهد بنده هم عرض میکنم بخواهد اما اگر نیاید چه باید کرد متأسفانه در خارج از حوزه مجلس بقدر سر سوزنی از این عقاید نیست يك عده از مأمورین ما هستند که حقیقتاً از اوضاع انقلابات سنوات اخیر و چند سال مشروطیت آبد آخبر ندارند و هنوز تصور میکنند اوضاع مرکز مثل زمان ناصرالدینشاه و اتابک اعظمی امین-السلطان است و تصور نمی کنند که ایران مشروطه شده است

شاهزاده اقبال السلطان می فرماید چه طور میشود زبان فارسی را فراموش کنند ما نکندیم اگر يك کتابی هم بدست آنها بدهند نمی توانند بخوانند غیر لازم نیست بخارجه برویم اگر همین اینجا کتب و نوشتهجات و مکاتبات متداوله امروزه را با مکاتبات و کتب پانزده سال قبل مطالعه کنیم تصدیق میفرمایند که زمین تا آسمان فرق کرده و اگر چنانچه مراجعه بفرمایند بکتاباتی که از خارج میرسد خواهید دید که تا چه اندازه وزرای مختار ما از ترتیبات امروزه بیخبر و غیر مربوط هستند بعلاوه اشخاصی که در این مدت انقلاب داخل در عملیات شده اند حتماً با آن اشخاصی که داخل نبوده اند نظریاتشان خیلی فرق خواهد داشت بخصوص اشخاصی که از قدیم سر کار بوده اند بیشتر طرفدار يك فشارهای سیاسی که بر ما وارد آمده است بوده اند و مسلم میدانم امروزه عقاید ما به آنها اثر نمیکنند (نیخواهم بگویم آنها باک نظریات سوئی داشته اند) خیر ولی اگر می آمدند

و يك سال دو سال در این انقلابات می بودند حتماً نظریاتشان تفاوت میکردن اما مأمورینی داریم که هفده هجده بلکه بیست سال است در يك نقطه معین مانده اند اگر در این مدت آنها را بیخ شش نقطه می-فرستادیم که سیاست مملکت را میدیدند و مقایسه می کردند باز امروز ماداری چند نفر کار کنان قابل بودیم متأسفانه این کار را هم نکردیم و آنها هم در جایکه هستند در خیال حفظ سیاست ما نیستند تا کنون سه مرتبه وزیر مختار پاریس را دولت خواسته و عوض هم برای او معین کرده است معذالک يك وسایل سیاسی خود را برقرار کرده حالا آقای مستشار السلطنه می فرماید تلگراف کنید بیایند خیر نمی آید و پس فردا هم يك وسائلی میترانند که مجدداً ابقاء شوند پس باید يك قانونی وضع کرد و فقط صورت اداری برای اجرای این نظریات کافی نیست شاید امروز در خیلی موارد ما مجبور باشیم که از مجرای قوه مقننه مساهدتهای بادولت به کیم زیرا کمک قوه مقننه تا اندازه برای دولت نافع و لازم است نه فقط در این مورد بلکه در اغلب موارد دولت محتاج به مرامی مجلس خواهد بود بنابراین يك عده از آقایان اینطور در نظر گرفتند که همیشه وزراء کمک بکنند تا آنها بتوانند بموجب يك اصل قانونی داخل در عمل شوند و هیچ هم مقید نکرده اند که حتماً باید تا پنجسال بماند خیر کمتر از پنجسال مانعی ندارد ولی توقف آنها از پنجسال نباید تجاوز بکنند البته تصدیق میفرمایند مأموری که پنجسال در يك نقطه بماند تقریباً يك احساسات بومی پیدا می کند و حتماً باید پس از این مدت تغییر کند تا بدانند که این اقامت او موقتی است و بالاخره باید يك جایی بر گردد که از او انتظار خدمات دارند اگر فرضاً بیاید در مرکز یکسال یا شش ماه بماند مجدداً اگر دولت صلاح بداند او را بفرستند مانعی نخواهد داشت فقط قیدی که در این پیشنهاد شده است این است که منتهی مدتی که مأمور سیاسی میتواند در یکجا بماند پنجسال است و بعد از پنجسال حتماً باید یکسال بر مرکز بیاید آنوقت بفرستند تا از این نظریه آقای مستشار السلطنه هم جلوگیری نشده باشد البته تصدیق میفرمایند که با این انقلابات متوالی اوضاع سیاسی ایران اگر يك مأموری چهار پنج سال خارج بماند باید يك مدت هم بیاید ایران تا با اوضاع قدری آشنا شود مثلاً ملاحظه میفرمایند يك عده از مأمورین سیاسی یا از قبیل آقایان نواب و علانی و مختار السلطنه بهمان اندازه که داخل در اوضاع انقلاب ایران بوده اند و از اساس

مشروطیت و استبدادی مطاعند بهمان اندازه هم وجودشان نافع و مورد استفاده است یعنی بهمان نسبتی که آشنا بوده انمولی از دیگران ابتدا فایده نمی بریم و نظر تاتشان مطابق اصولی است که قبل از مشروطیت بوده متأسفانه روسی را که اینجا آورده بودند با ترجمه کرده بودند تا اندازه از همان مارا روشن کرده باشند متبوعه بنده باشیم که در آنجا چه چیزهایی نوشته شده بود اصلاً نه اشاره به مجلس شده بودند بیسینی شده که مجلس است و باید بتصویب او برسد بنابراین این پیشنهاد يك نظریه نیست که اساساً آقایان نمایندگان خواسته باشند در کار دولت مداخله بکنند خیر هیئت دولت از او است فقط برای همین محظوراتی که عرض کردم خواسته اند يك کمکی به هیئت دولت کرده باشند و دیدند بهترین راهی که مجلس برای تهیه اشخاص لایق در مملکت می تواند پیش بینی کند همین است و بعلاوه امروزه که ما محتاج هستیم به مستشار های خارجی این آقایان که از مستشار بهترند چه مستشاری بهتر از مأمورین که بیست سال در خارجه کار کرده اند اگر در این مدت چیزی فهمیده اند که چرا ببرد مملکت نغورند و اگر نفهمیده اند پس چه درد میخورند که در خارجه بمانند البته باید آنها را بفرستند که در خارجه بمانند البته باید آنها را کمتر یا بیشتر هر مدتی که سیاست مان مقتضی است و تغییر می کند باشد و وقتی که سیاست مان فرق کرد او هم تغییر بکنند و عرض می کنم نمی توانیم میزان معینی برایش پیدا کنیم دیگر عرض ندارم

رئیس - آقای نصیر السلطنه

رئیس - آقای ارباب کبکسر و - بلای موافقت؟

رئیس - آقای مدرس چطور؟

مدرس - مخالفم

رئیس - بفرماید

مدرس - متأسفانه این دو مسئله که اتفاق افتاد بعکس شد چون لازم بود که آقای رئیس الوزراء و خصوصاً آقای وزیر خارجه در این مذاکرات تشریف داشته باشند و نظر تاهان در این خصوص معلوم شود بهرحال در اینکه وضع مأمورین مادر خارجه بدست و خوب نیست تردیدی ندارم و عقیده بنده این است که تمام مأمورین سیاسی ما که در خارج داریم باید تشریف بیاورند بایران چه آنهایی که موقشان نرسیده بیایند و چه آنهایی که موقشان رسیده بیایند ایران و ایرانی بشوند و مشغول خدمت بشوند لکن متأسفانه آقایان رفقا در این زمینه بعضی صحبتها کردند که بنده باید ایتحرف هار ازینم برای این بود که آنها را بمنزله يك شاگرد مدرسه که برای تحصیل بخارج رفته باشد بفرستند اینها الفاظی است که

مناسب من است و سر رشته از این کار ها دارم اصلاً مأمور سیاسی و پلئیکتی باید بمقتضای سیاست تبدیل شود چه یکماهه چه یکساله چه ده ساله هر چه سیاست تغییر می کند باید مأمور سیاسی هم تغییر کند اگر سیاست مقتضی شد که ششماه باشد ششماه بماند هر وقت سیاست مملکت تغییر بکند او را هم تغییر بدهند **(گفته شد صحیح است)**

اما مسئله پنجسال و تین مدت گانم این است که مأمورین سیاسی و پلئیکتی دول خارجه هم باید اندک اختلاف سیاسی و پلئیکتی پیدا نشود فرض میکنم تغییر نمیکنند پس ما در این مدت معینی یا سیاسی داشته ایم که مأمورین مان را تغییر ندادیم یا سیاسی داشته ایم تغییر و مأمورین ما بهمان رویه که داشته اند بعضی آقایان فرمودند شاید از ده بیست سال قبل تقریبی در وضعیت شان پیدا نشده است و بنده عقیده دارم که تمام مأمورینی که در خارج داریم بلا استثنا تمام را بخواهیم چون اوضاع سیاست ما را اینها نمی دانند یا با اوضاع دیگر متعاضده باشند ولیکن تغییر دادن چهار پنجسال را حالی از مله میدانم بساعت که در يك نقطه سیاست ما اقتضا می کند که مأمورین ده سال بمانند یا اقتضا می کند که یکسال بمانند یا کمتر یا بیشتر هر مدتی که سیاست مان مقتضی است و تغییر می کند باشد و وقتی که سیاست مان فرق کرد او هم تغییر بکنند و عرض می کنم نمی توانیم میزان معینی برایش پیدا کنیم دیگر عرض ندارم

رئیس - آقای نصیر السلطنه

رئیس - اجازه)

نصیر السلطنه - بنده از در نظر گرفتن چنین طرحی مقصودم مرتفع شدن این اصلی بود که تا حال مقرر بود ولی البته با تصدیق بتمام فرمایشات آقای مدرس که ما فوق پیشنهاد را در نظر گرفته اند و بنظر بنده حقیقت احساسات را بیروز دادند قسمت عده از این پیشنهاد راجع باشخاص نبود که کی خوب کار کرده است و کی بد بوده در این موضوع نمیتوانم داخل مذاکره شوم نقطه نظر بنده این بود که آقایان نمایندگان سیاسی ایران که بارویا میروند پس از يك مدت معین توقف در آنجا بایران مراجعت کنند و اوضاع سیاست مملکت خود را با يك نظر دقیقانه بسنجند و با ملاحظه بوضعیت مملکت خود مراجعت کنند بعضی که دولت معین می کند یا محل مأموریت سابق خود و آنوقت آن نظریات را اجرا کنند ولی متأسفانه بعد بختانه همانطور که آقای مدرس فرمودند می بینیم نمایندگان سیاس ما چون از مملکت ما دور شده اند از سیاست مملکت سیاسی و نمایندگان و وزرای مختار در

امور خارجه در زمینه سیاست مملکت دستور العملهایی می توانند بآنها بدهند بنده نمیتوانم تکذیب کنم ولی عرض می کنم که خیلی مسائل است که بوسیله تلگراف نمیشود بمأمور دستور العمل داد و باید برای همین مشاهده کنند و از اوضاع مطلع شوند و پس از آنکه مطلع شوند بموقع اجرا بگذارند و اینکه آقای مدرس دربدو فرمایشاتشان فرمودند که آقای رئیس الوزراء با آقای وزیر امور خارجه لازم است که تشریف داشته باشند .

بنده هم تکذیب نمی کنم زیرا البته ایشان هم باید مشارکت کنند ولی خاطر ایشان را متوجه می کنم باینکه قبل از آنکه این طرح در مجلس مطرح مذاکره شود برای اینکه نظریات دولت هم جلب شده باشد بدولت ارجاع شود با مذاقه لازمه از طرف دولت بگیمسیون خارجه ارجاع کردند و آقای وزیر امور خارجه هم در کمیسیون در يك قسمت از مذاکره شرکت داشتند پس در این قسمت اقدامات مقضه از طرف مجلس و نمایندگان و کمیسیون خارجه بعمل آمده است و اما اینکه آقای اقبال السلطان فرمودند دست و نوال وزیر بسته میشود بسیار خوب این يك موضوعی است که دست و نال وزیر خارجه بسته میشود ولی از یک طرف مستانی هم خواهد داشت و خاطر شان را متوجه میکنم باین مقدمه که در این جا نوشته شده است که متأسفانه اکثر از نمایندگان سیاسی مانه تنها سالها از مملکت خود خارج هستند بلکه بعضی از آنها در تمام هر خودیای تحت مملکت خود را ندیده اند البته تصدیق میفرمایند که چنین مأموری خیلی از سیاست ما بیخبر است و برای مملکت مأموری که چندین سال پایتخت خود را ندیده باشد و از سیاست مطلع نباشد خوب نیست (و همچو مأموری امروز داریم) و متأسفانه بواسطه طول اقامت در خارجه تکلم بزبان فارسی را هم فراموش کرده اند (مقصود این نیست که واقماً فارسی نتوانند حرف بزنند) مقصود این بود که خصوصیات زمان فارسی را نمی دانند) اگر حضرتعالی در وزارت خارجه استفاده داشتند باجران امر خارجه را می دانستید و اگر مکاتباتیکه از مأمورین خارجه می رسید ملاحظه میفرمودید تصدیق می فرمودید که تا چه درجه محل دقت است و باید دقت کرد و چون قسمت عده از هر ارض بنده را آقای فهم الملك فرمودند و آقای مدرس هم در حقیقت با فوق نظریات ایشان را داشتند بنده کاملاً لزوم این موارد تصدیق میکنم و آقای مدرس فرمودند باید تمام مأمورین خارجه را خواست نباید این نکته را فراموش بفرمایند که در ماده اول این پیشنهاد نوشته شده که مدت توقف مأمورین سیاسی و نمایندگان و وزرای مختار در

مالک خارجه پنجسال نباید تجاوز نماید در حقیقت يك ماده قانونی است که ابداً دست دولت را نمی بندد و اینکه حضرتعالی در نظر گرفته اید این ممکن است در هر وقت دولت نظر با احتیاجات و مقتضیات سیاست مملکتی ما مامورین را بخواهد ولی از پنجسال نباید تجاوز نماید و این ماده که نوشته شده است برای این است که ما بنظروریکه حضرتعالی فرمودید شاید يك مملکت و وزارت خارجه يك دولتی برای جریان نظریات سیاسی خودش محتاج شود مأمور خود را زیارتگاه بدارد باید در این اصل ملحوظ شده باشد البته تصدیق میفرمایند يك مأموری که پنج سال در خارجه توقف کرد باید بایران بیاید و از وضعیت مملکت خود مطلع شود و مانعی نخواهد داشت پس این طرح قانونی باین ترتیب که نوشته شده خیلی خوب نظریات آقا را میسراند و تصور می کنم آقا مدرس هم با نظریات رفقا خان موافق هستند و این لایحه را قبول میفرمایند این نکته را هم فراموش کردم عرض کنم که آقای مستشار السلطنه خودشان این لایحه را امضاء کرده بودند و باین حال متأسفانه مخالفت نمودند

رئیس - آقای سکا زانی مخالفه یا خیر؟

سکا زانی - در يك جزء از این لایحه مخالفم .

رئیس - فعلاً مذاکرات در کلیات است .

سکا زانی - پس عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

رئیس - اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید فاضل

رئیس - اجازه)

آقا سید فاضل - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

رئیس - اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم موافقم

رئیس - آقای سید عبدالملک

رئیس - اجازه)

سید عبدالملک - موافقم

رئیس - آقای دولت آبادی - حاج میرزا علی دولت آبادی - بنده هم موافقم

رئیس - می بینم اغلب آقایان موافق هستند پس خوب است رای بگیریم

امین الشریعه - بنده مخالفم

رئیس - بفرماید

امین الشریعه - اگر چه بعضی حقایق را که بنده در نظر داشتم عرض کنم آقای مدرس بتفاوت مختصراً بیان نمودند و فرمودند فلسفه برای وضع این قانون نمی دانم ولی بنده عرض می کنم علاوه بر اینکه فلسفه برای آن میدانم این پیشنهاد را هم مضر

داشتند مرض می کنیم در همین حال فراموش فرمودند که مأمور مقیم مسکونی ما با اینکه در ایران بوده و اطلاعات زیاد داشته معذرت بفرمایند انتظار آقایان شاید نتوانسته امیدواری ایشان را صحیحاً تأمین کند بطور کلی نمی شود یک نظریه اتخاذ کرد و گفت اگر مأمورین خارجی ما بایران بیایند مدتی توقف کنند بهتر از مأمورینی که مدتی زیاد در خارج اقامت کرده اند میتوانند انجام وظیفه دهند خیر اینها اشتباه است و همه مسئله که موجب شده این بوده که یک افکار جدید و ذکاوتی روی کار نبوده و بقیه بنده مثل اینکه دولت های گذشته در تمام قضایا سهل انگاریها بکار برده اند در مسئله مأمورین خارجی هم این سهل انگاری را نموده اند اشخاص نالایق برای خارج معین کردند تا بی آن اشخاصی را بواسطه عدم مراقبت و مسامحه کاری نتوانسته اند با نخواستند از نقاط مأموریت تغییر بدهند و اگر چنانچه مأمورین خارجی بر خلاف ترتیب و کارهای اداری بیک نوعی خارجی متوسل شده اند دولت نمی توانست در مقابل آن توسط مأمور خود را تغییر و مجازات بدهند و بالاخره یک مفسدانی تولید می شده حالا برای اصلاح آن مفساد می خواهم یک قانونی وضع کنیم که در همین حال این قانون یک مفسد دیگری دارد و اما این استدلال را که آقایان می فرمایند (زبان خود را فراموش کرده اند) بنده در می گویم این یک چیز مضحکی است که اگر یک مأموری دو سال یکجائی بماند زبان فارسی را فراموش کند بسلامت ممکن است یک مأمور خارجی زبان فارسی را خوب بداند و در ادبیات کاملاً ذی دخل باشد لیکن در سایر کارها خوب نباشد و سهل انگاری آنوقت اینطور مأمور بچه کار ما می خورد شا از مأمور ایقانت و وطن پرستی و خدمت می خواهید و به ادبیات او نمیتوانید تکیه کنید و بواسطه ندانستن ادبیات آنها را احضار کنید ما وزیر مختار داشتیم که شعر نمی گفتند و دیوان هم داشتند ولی دوزخ کار نمی کردند و از آنطرف وزیر مختار هم داشتیم که شاید مواد فارسی هم نداشته و قدرت برای سیاست دولت نافع و خدمتگذار بودند و استدعا دارم دیگر این دلیل را تکرار نفرمائید ولی از نقطه نظر عقیده شخصی عرض میکنم که در مسائل سیاسی و بلتیکی دست دولت را نمی شود بست و از مأمورینی که انتصاب می شوند ما باید صحت عمل و ایقانت و وطن پرستی در نظر گرفته شود و اگر در این قدم او مسامحه نکنیم و بخواهش و توصیه اهمیت ندهیم و بفشار داخله و خارجه خودمان را نباختیم و این قدم اول را درست گذاشتیم در سایر قضایا دچار اشکال نخواهیم شد .

بنده موافقم که تمام مأمورین خارجه را بلا استثنا معزول کنند و بطهران احضار نمایند . ولی در صورتی که دست دولت را باز کنند که هروقتی بخواهند بتوانند مأمورین خود را احضار و عوض کنند پنج سال بپنج سال یا در هر ماه نه اینکه یک قانونی وضع کنیم که در سر پنجاه مأمور مجبور باشد بیاید ممکن است در همین اینکه مأمور خود در فلان نقطه احتیاج دارد با قضایای اتفاق افتاده که توقف فلان مأمور در آن نقطه لازم است و در یک چنین موقعی که ممکن است وجود این شخص فواید کزافی به دولت برساند ما بیاییم و دولت را مجبور کنیم که مأمور خود را بردار چون پنج سال تمام شده است و دولت مطابق قانون مجبور شود او را بردارد و اینکه نوشته شده است (که برگردد بایران و یکسال افا بماند) البته تصدیق می فرمائید که در مسائل سیاسی و بلتیکی ممکن است یک هفته غیبت یک مأمور متخصص و با اطلاع قضیه مهمی را معطل کند . در این صورت چگونه ما یکسال مأمور را معطل کنیم که در طهران بماند برای اینکه قانون گفته است عقیده بنده اینست که در این قبیل مسائل باید دست دولت را باز و او را آزاد گذاشت و باید تمام ماها سعی و کوشش کنیم که قانون اداری و قانون استخدام را از دست تصویب مجلس هورای ملی بگیریم و وزارتخانه را از این حال صاف نجات بدهیم باید سعی کنیم که حکومت مقتدر صالح متصد در مملکت ایجاد کنیم باید کاری بکنیم که کابینه های ما افلا پنج سال شش سال با قدرت و اقتدار دوام پیدا کنند تا بتوانند مأمورین فاسد را فلع کنند و مأمورین صحیح بجای آنها بگذارند و قانون هائی که دست دولت را می بندد نباید وضع کرد و قانونی که متنها موجب ابداع او بجهت فساد یک وزیر مختار و یا یک قونسول و یا یک ژنرال قونسول باشد او را نمی توان قانون نامید قانون باید تکیه اش بعمل باشد تکیه اش بواقعیت و اجتهاد باشد نه اینکه از نقطه نظر احساسات و اینکه فلان زید و هر و چون در مأموریت خود بد رفتاری کرده اند لذا ما بیاییم و یک قانونی وضع کنیم که دیگر نتوانند ترمز کنند این نکته گاه ثابتی نخواهد بود و ابداً این قانون بوقع اجرا گذاشته نخواهد شد و بیچوجه بدولت کمک نخواهد کرد و البته آن قوانین که متکی بفرسده نباشد نمی تواند مورد استفاده واقع شود آقایان بفرمایند که قسمت یک اظهاری فرمودند که بنده با ادوات کردم فرمودند (خرابی ما بواسطه خون فاسد مأمورین سیاسی ما در خارجه است)

بنده در عین اینکه تصدیق دارم که مأمورین ما در خارجه مخصوصاً یک قسمت از آنها که وجودشان باعث این افکار و نظریات شده است البته نتوانسته اند ما خدمتی کنند و شاید مضار بهم برای ما داشته اند ولی تصدیق کنید که خرابی ما بواسطه خون فاسد خود ما بوده است نه آن مأموران مأمور فاسد را ما فرستاده ایم وقتی ما او را احضار کردیم او بواسطه متوسل ببعضی مقامات شده است ما با آنها نگفته ایم شما حق ندارید حمایت از مأمور دزد و فاسد بکنید پس بالاخره فساد خون از ما است و اختلال مملکت بواسطه اهالی خود مملکت است اگر ما می توانیم در اصلاح مأمورین خارجه خودمان قدم برداشته و موفق باصلاح آن شویم برای این است که در اصلاح خودمان قدم برداشته ایم از اینکه است که فلان مأمور هم می رود و قراردادی منعقد می نماید که آن قرارداد منافعی منافع و مضار مصالح مملکت ما است بعضی بقیه بنده نباید تمام مفساد را بفساد خون چهار نفر مأمور معول محدود کرده و برای مدت توقف آنها در خارج قانونی وضع کنیم بنده بکلی با این قضیه مخالف و عقیده مند هستم که در مسائل سیاسی و بلتیکی باید همیشه دست دولت را باز گذازد و بنا بر این معتقدم که این قانون باید دو مرتبه بکمیسیون هودت کرد با اطلاعات صیغه و دقت کامل یک چیزی بطور ماده واحده وضع و بپنججلس پیشنهاد کرد که در خارج اسباب استهزا و خنده نباشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب اجازه

آقا سید یعقوب - اولاً لازم است در جواب فرمایشات آقای ملک الشعراء که مفرمان دست دولت را باید باز گذارد و او را در مسائل بلتیکی و سیاسی آزاد و مختار کرد عرض میکنم ما اینک ایشان با یک فصاحت و بلاغت و لحن ادبی مطالب را بیان و تقریر فرمودند بنده دست نهدیم چطور می شود در یک مملکت قانونی دولت را کاملاً آزاد و مختار نمود دولت که دارای قوه مقننه است لذا نایستی دو مسائل سیاسی آزاد و مختار باشد و هر چه می خواهد بنا بر میل و اراده اش انجام دهد دولت را باید مقید کرد که عملیات او را در تحت قانون و با مراجعه بقانون باشد پس قانون استهدام را برای چه انشاء میکنیم برای این است که دولت نتواند بیول و اراده شخصی هر کسی را بخواهد تغییر داده و دیگری را بجای او منصوب و برقرار کند . بی اگر خدا خواست و چند سال از عمر مشروطیت ایران و قانون ایران گذشت و تمام افراد دانستند که وظایف صکله مأمورین در تحت قانون باید باشد آنوقت

این فرمایشات ایشان شاید بی مورد نباشد ولی ما شانزده سال تمام است که وضعیت را ملاحظه و مشاهده کرده ایم روش کابینه ها و طرز مشی دولت ها و وزراء و دانستند بکنه و رموز مسائل در این مدت واقف و آشنا شده ایم آنوقت امروز هم که ما می توانیم از عملیات آنها جلوگیری کنیم باز هم از انجام این مهم خودداری و غفلت کنیم . تا آنجا که نظر مبارک باشد اگر حافظ ها وفا کنند اگر اندک ملاحظه و مراجعه بسطور جرایم و روزنامه ها بشود ملاحظه خواهید فرمود چقدر دولت برای تغییر یک نفر مأمور خود در در بلزیک اقدام نموده و بالاخره موفق نشد . در این صورت ما ناچاریم این مسئله را از راه وضع قانون و طریق قانونی جلوگیری و تأمین کنیم چون قدرت دولت بواسطه مجلس است آقایان تدین فرمودند این قانون این مقصود را تأمین نمیکند بنده میگویم قانون حکم وزیر را واجب الاجرا می کند و حکم وزیر که بموجب قانون باشد واجب و حتی الاجرا میشود و بعضی اینک سال گذشت وزیر بلان مأمور خواهد نوشت که بموجب قانون مصوبه مجلس باید از خطه مأموریت خود بیائی در اینصورت چگونه می تواند مأمور تخلف کند و نیاید اما اینکه آقای ملک الشعراء فرمودند بواسطه آمدن فلان مأمور بایران و توقیف او در مدت یکسال شاید خیلی از مسائل سیاسی از بین رفته و در نتیجه بی اثر و بی فایده بماند بنده تصور می کنم این مسئله هم وجود هتفا معروف الاستوم معلوم الجسم باشد بواسطه اینکه هر سفارتخانه در قدرت مأمورین دیگر و اجرا و شارژ دار دارد و بوسیله پست و تلگراف دستور العملها لازم و مقتضی از طرف دولت آنها داده می شود راه مراسلات و مغایرات و مذاکرات باز و مفتوح است . دنیای امروز دنیای نیست که روابط ملل با یکدیگر مقطوع باشد که اگر یک نفر مأمور دولت بایران بیاید دیگر مسائل حفظ سیاست بکلی از بین برود پس اینجا قضایای فرضیه و خیالاتی هستند که ابداً وجود خارجی ندارند مخصوصاً افراد نادان . الوقوع هیچ مغفل قانون نمی شوند شما مسئله دیگری که فرمودند این بود که تپه سیاست موجب تغییر مأمورینی شود خواهم جواباً حضور آقای مدرس عرض کنم ما وقتی که داخل مشروطیت شدیم گفتیم دوره تجدید و انقلاب داخل در کار ما اند دارای افکار و عقاید هستند

افکار و عقاید امروز در محیط ایران موجود و حکم فرما نیست امروز بدرد کار نمی خورند از اینجهت می گویند آقای متار السلطنه باید بایران بیاید و ببیند در مملکت ما که مجلس هست و قوانین جاریه از آنجا می گذرد ترتیبات چه شکل است بنده کار شخص ندارم عرض می کنم تمام این مأمورین خارجه باید بایران بیایند و ترتیبات امروزی مملکت را مشاهده کنند و به بینند ترتیبات سابق و حکومت کیف میباشی دیگر وجود ندارد و قطع و فصل امور و مشکلات سیاسی و غیره با حکومت شوروی است نه بامر و حکم صدر اعظم . عرض می کنم که آنها باید بایران آمده از کیفیت و ترتیب اوضاع و سیاست امروزه آگاه و مطلع شوند زیرا حالا بیچ وجه آنها از جریان و ترتیب امور واقف نیستند و اطلاعی ندارند شما خودتان مسافرت کرده و بقدر کفایت از مجاری امور و جریان اوضاع مستحضرید دولت ناچار است سفرا و مأمورین خود را احضار کند و با آنها اطلاع دهد و آنها را مستحضر کند که رژیم اساسی ما تغییر کرده و نوع دیگر است و برای حضور باین مقصود چهار جز تمسک بقانون نداریم که پس از طی مراحل لازمه آن را دست دولت بدهیم و او هم مطابق آن قانون عمل و رفتار کند و این مسئله جز از این راه از طریق دیگری تأمین نمی شود زیرا همه چیز باید مستند بقانون باشد و از مجرای قانون بروز و تراوش نماید اما آمدم بر سر مدت پنجسال بطوریکه آقای وحید الملک و سایر موافقین محترم بیان کردند مقصود این بود که مدت اقامت آنها در خارجه از سه سال تجاوز نکنند اینک از سه سال کمتر نشود غیر ممکن است یکسال یا دوسال بیشتر یا کمتر باشد غرض این است اگر خدای تعالی بخواهد تا بعد از مدت سه سال تجاوز نکند آنوقت بعد از مدت سه سال و عمر توقفش در خدمت مأموریت منقضی شد مجدداً بایران آمده اوضاع و احوال را مشاهده و ملاحظه کند و در تپه هودت نماید و سلطنتی تشریف ببرد اگر هم نخواست مختار است . **رئیس - آقایان با تنفس موافقت ؟** گفته شد بلی (در اینوقت جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نسیاحت مجدداً تشکیل شد) **رئیس -** در ماده اول مذاکرات کافی است یا نه ؟ **اظهاری نشد** **رئیس - آقای محقق الملک موافقت ؟** **محقق الملک -** بلی بنده در

زمینه موافقت یک عرض دارم **رئیس - آقای دولت آبادی چطور ؟** **حاج میرزا علی محمد دولت آبادی -** بنده هم موافقم **رئیس - آقای محمد هاشم میرزا -** بنده هم موافقم **رئیس - آقای تدین هم موافقت ؟** **تدین -** خیر بنده مخالفم **رئیس -** بفرمائید **تدین -** آقای وحید الملک در ضمن بیانات خود اظهار داشتند نظر باینکه سیاست دولت ایران با کلیه دول مبتدی بر صلح و صفا است باین جهت سیاست تغییر پیدا نخواهد کرد و فقط تغییر سیاست موجب مستلزم تغییر نمایندگان خواهد بود بنده گمان می کنم که هیچ ملازمه بین اینکه سیاست صلح جوانانه داشته باشیم و مأمورین خود را تغییر دهیم نیست مگر فقط در موقع جنگ نمایندگان سیاسی تغییر می کنند ؟ خریدر همین طهران مکرر دیده ایم در موقع صلح و صفا مأمورین سیاسی تغییر و تبدیل میکنند و از طرف دولت متبوعه خود احضار می شوند در صورتی که ابداً جنگ و محاربه بین ما و آندولت موجود نبوده پس لازمه تغییر سیاست جنگ جوانانه نیست بعلوه می فرمایند خارجه یک مدرسه عملی است بنده از این فرمایش ایشان خیلی متأسف شدم زیرا اگر واقعاً نمایندگان سیاسی ایران اینقدر بی اطلاع و بی بصیرت هستند که باید در خارجه بروند و چیزی بیاموزند پس فایده این نوع نمایندگان برای ما چیست ؟ اشخاصی را دولت باید بپذیرد و مأموریت با آنها بدهد که ایقانت داشته باشند و برای حفظ سیاست دولت در آنجا مسامحه جمیل بکنند بفرمائید هل ایحال اینها یک تغییرات و فرمایشاتی است که فوق العاده در خارج موثر است و باید نهایت وقت در طرز این بیانات بشود بنده اساساً روح این لایحه را این طور تصور میکنم چون بعضی از مأمورین دولت سالیان سال است در اروپا یا در جای دیگر رفته و تاکنون بواسطه هللی نتوانسته آنها را تغییر و تبدیل دهند حالا می خواهند در اینجا یک یا دو ماده قانونی وضع کنند که بوسیله آن دولت موفق بتغییر و تبدیل آنها بشود بنده تصور می کنم با تصویب این ماده قانون هم آن عمل کاملاً مرتفع و برطرف نخواهد شد باید اقداماتی کرد که آن عمل رفع شود اما اینکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند اگر دست دولت باز باشد دولت مختار باشد منافی اصول مشروطیت است گمان میکنم این فرمایش ایشان اساسی نباشد مقصود از باز بودن دست دولت این

است که در اجرای وظایف خود آزاد باشد بنا بر این البته دست دولت در حدود وظایفش باید باز باشد در حال بنده یک قسمت از مخالفانم را قبلاً عرض کردم حالا هم تکرار میکنم اولاً هلت اینکه تنها اختصاص بوزراء مختار و سفراء داده چیست و چرا اسم کلیه مأمورین سیاسی در اینجا قید نشده است ؟ ثانیاً چرا اختصاص بپنج سال می دهد و علت اینکه پنج سال باشد و کمتر نباشد چیست ؟ خوب است مدافین محترم این لایحه هلت و فلسفه این نکته را بفرمائید تا مخالفین هم متقاعد شوند و اینکه میفرمایند بدست پنجاه اهمیت نمیدهیم و اگر مخالفین بخواهند ممکن است مدت اقامت را از پنجاه کمتر هم پیشنهاد کنند معنی این عبارت هم اینست که اگر مخالفین سه سال پیشنهاد کنند کمیسیون قبول دارد و باین ترتیب معلوم میشود کمیسیون در این راهی که داده است جدی نبوده بلکه همینطور سطحی و خیالی پنجسال را در نظر گرفته است در صورتی که کمیسیون باید در نظر گرفتن یک سلسله ادله و براهین فلسفی بیک چیزی رأی بدهد و حتی الامکان از رأی خود منادمه کند گذشته از این آیا دلیل اینکه برای توقف در ایران یکسال معین کرد و بعد از یکسال حتماً باید بروند چیست اجباری مگردارند هروقت دولت مقتضی دانست او را مجدداً می فرستد دیگران قید برای چیست اینجا که حقیقتاً دست دولت بسته میشود بعلوه عده از سیاسی ما در خارجه افتخاری و از اهل خود آنجا هستند و ابداً ایرانی نیستند آنها را چرا اینجا استثناء نکرده اند اگر مثلاً بعضی از ملل مسیحی یا ملل دیگر افتخار نمایند که ایران را قبول کرده باشند معنی این ماده این است که آنها هم باید احضار شوند و این قانون شامل حال آنها هم میشود ما چه حق داریم یک عده اشخاصی که جزء یک ملت و دولت دیگری هستند بصرف این که افتخار نمایند که ما را قبول کرده اند آنها را هم مشمول این قانون قرارداد کرده و احضارشان کنیم پس مأمورین افتخاری هم باید مستثنی شوند در صورتیکه در این ماده هیچ ذکری از آن نشده بنا بر این خراب است آقایان موافقین فلسفه این دوسه چیز را که بنده عرض کردم بفرمائید تا متقاعد شوم و بعلوه وضع این قانون برای هللی است که فعلاً موجود شده است حالا آقایان همچون تصور میفرمایند که با وضع و تصویب این قانون ممکن است رفع آن عمل بشود بنده خیال میکنم این یک دو ماده قطع نظر از اینکه رفع و برطرف کنند آن عمل نخواهد بود ممکن است این یک سطر سهواً نوشته نشده است توضیح شد از نقطه نظر حقوق بین المللی و نمایندگی سیاسی دول مزاحمتی برای ما ایجاد کند پس اخیراً هم باید در نظر گرفت که آیا مبادرت باین امر

سیاست مرکز مناسب نیست آنوقت می تواند زودتر اورا احضار کند و اینکه فرودند چرا مأمورین افتخاری مستثنی نشده اند لازم است خاطر آقایان را متذکر کنم که هیچ مأمور افتخاری سمت سفارت یا وزیر مختار یا سفیر مقیم معین نشده است و بطوریکه در این لایحه ملاحظه می فرمائید این ماده قانون فقط شامل اعضای رئیس و سفرا و وزرای مختار است نه اجزای جزء حالا اگر بعد مدلول این قانون شامل حال تمام مأمورین خارجه بشود البته مراعات این مسئله شده و لفظ افتخاری هم علاوه خواهد شد اینکه فرمودند آیات تصور نمی شود این تغییرات با قوانین بین المللی مغایف باشد خیر؟ هیچ وجه قوانین بین المللی که منافعی با این لایحه باشد وجود ندارد اگر فرضا همچو چیزی باشد خود این ترتیب خیلی برخلاف قانون بین المللی است و باید با وضع این قانون آن خلاف قانون را لغو کنیم و از بین برداریم (بعضی گفتند صحیح است)

رئیس - در این باب مذاکرات کافی است ؟

ارباب کیهن خسر و - بنده توضیحی دارم .

رئیس - بفرمائید

ارباب کیهن خسر و - توضیح بنده راجع باظهاری بود که آقای ملک الشعرا فرمودند گویا یا ایشان اشتباه فرموده یا بیان بنده ناص بوده است بنده هیچوقت نفوساتم بگویم مأمورین خارجه ما فاسدند بلکه بنده عرض کردم قلب سیاست ما بواسطه خونهای فاسدیکه در آن داخل شده اصلاح لازم دارد و البته مقصود بنده هم این نبوده است که تمام مأمورین ما فاسدند زیرا آن هیویی که فاید می شود اگر فاید نمی شد قطعاً اوضاع سیاسی و وضعیت اقتصادی ما بهتر از حالیه بوداگر مأمورین خارجه ما کاملاً بواسطه مرجوعه خود قیام کنند بهیچوجه ما حاجت بقشون و تهیه سایر لوازمات دیگر نداریم و خیالمان از هر جهت فارغ تر و راحت تر خواهد بود آیا این برای چیست ؟

برای این است که یک عده مأمورین ما در نتیجه طول مدت اقامت خود در خارجه بکنی از ادای وظیفه و وظائف خود بی اطلاع می مانند بلکه عده که این لایحه پیشنهاد شده است همین است

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده قرائت میشود

(هشت فقره پیشنهاد بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد اول - پیشنهاد می نمایم سکه ماده ذیل قائم مقام لایحه بشود

ماده اول - هر یک از مأمورین سیاسی ایران در خارجه که تبدیل مأمورین

یا احضار شود و تغلف نماید از مقام خود منصرف خواهد بود امین الشریعه و آقا سید محمد تدین

۲ - بنده پیشنهاد می کنم که بجای کلمه سفرا و وزرای مختار کلمه مأمورین دولت علیه در خارجه نوشته شود حاج میرزا مرتضی

۳ - بنده پیشنهاد می کنم در ماده اول این قسم نوشته شود مدت مأموریت کلیه سفراء و وزراء مختار و مقیم و وزارت دافر و ژنرال قنصلوهای دولت علیه ایران الی آخر

ماده یک بشرحیکه در ماده اول نوشته شده است رئیس التجار

۴ - مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی این بنده پیشنهاد می نمایم که این راپورت بکمسیون خارجه عودت داده شود و قانونی برای استخدام وزارت خارجه تهیه نموده تقدیم مجلس نمایند تا اینکه تمام نظریات منتضبه پیش بینی شود مستشار السلطنه

۵ - بنده پیشنهاد می کنم ماده اول لایحه طرح قانونی راجع بنمایندگان سیاسی دولت ایران در خارجه بطریق ذیل اصلاح شود مدت مأموریت کلیه مأمورین دولت ایران در ممالک خارجه نباید از ۵ سال تجاوز نماید جلیل الملک

۶ - بنده پیشنهاد می کنم در ماده اول بعد از کلمه مقیم قنصل ژنرال ها و قنصل ها هم علاوه شود

منتصر الملک

۷ - پیشنهاد می کنم که بجای لافل الی آخر نوشته شود سیاست مملکت الزام می نماید مدرس

۸ - بنده پیشنهاد می کنم کلیه مأمورین و دولت علیه را و لافل یکسال را هم بیورد می دانم بلکه مدتیکه منوط بنظر دولت باشد محقق العلما

رئیس - این پیشنهادها از چاه می شود بکمسیون (ماده دوم قرائت می شود)

ماده دوم - این قانون کلیه نمایندگان سیاسی دولت ایران را که در تاریخ وضع این قانون بیش از بیست سال از خارجه سمت های مذکور در ماده قبل را دارا بودنداند شامل خواهد بود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت ؟

حاج شیخ اسدالله - بلی بنده موافقم .

مستشار السلطنه - بنده تصور می کنم تکلیف پیشنهاد بنده جزء همین شود باید معین شود زیرا بنده پیشنهاد کرده ام این لایحه که فعلاً در تحت مذاکره است عیناً بر گردد بکمسیون خارجه و پس از تهیه قانون استخدام برای مأمورین

دیپلماسی آنوقت این نظریه بنده و یک سلسله نظریات دیگری که اغلب نمایندگان آقایان و وکلای دارنده البته در آن قانون پیش بینی خواهد شد غرض این است که مدلول پیشنهاد بنده غیر از سایر پیشنهاد آقایان است

رئیس - صحیح بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - خوب بود وقتی که در کلیات صحبت می شد آقای مستشار السلطنه این پیشنهاد را می فرمودند حالا پس از آنکه مجلس رأی داده است داخل در شور مباد بشوم این پیشنهاد دیگر مورد ندارد و برخلاف رأی نیم ساعت قبل مجلس است

رئیس - معلوم می شود چنانچه رأی مستشار السلطنه - بنده توضیحات خود را می دهم بعدا اگر پیشنهاد رد شد باید از مجلس رد شود

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - بنده گمان می کنم اگر این ماده دوم را تصویب کنم کار بروزر خارجه قدری مشکل شود زیرا بعد از گذشتن این ماده اگر تمام سفرا و وزرای مختار را تغییر و تبدیل دهند آنوقت قائم مقام آنها را از کیا پیدا خواهند کرد ولی ما را بجای آنها منصوب کرده اند و خواهند فرستاد ؟

پس حالا که تغییر می کنند خوب است اقتلاطوری باشد که از مملکتی بمملکت دیگر منتقل شوند مثلاً از مملکت فرانسه بانگلیس و از انگلیس با آلمان و از آنجا با اریش و جای دیگر تغییر و تبدیل دهند و در واقع آنها را از نقطه بنقطه دیگر منتقل کنند ولی اگر بخواهند یکمرتبه تمام را تغییر داده احضار کنند عوض آنها را از کیا خواهند آورد

رئیس آقای آقا سید یعقوب با ماده موافقت ؟

آقا سید یعقوب بله موافقت

رئیس بفرمائید

آقا سید یعقوب اگر چه قانون نظر بشخص مخصوص و موارد مخصوص ندارد چنانچه مسلم است که تفصیح مورد هم موجب نقص قانون نمی شود بلکه اگر مورد مخصوصی وضع قانون را ایجاد کند البته آن قانون صومیت پیدا خواهد کرد این که می فرمائند اگر ما این مأمورین حالیه را تغییر داده و احضار کنیم و دیگر کسی را نداریم بجای آنها بکاریم گمان می کنم اگر وزرات خارجه تشریف ببرند ملاحظه خواهند فرمود که یکمده اشخاص تحصیل کرده و جوانان تربیت شده از مواد مطلع سیاست داریم که در هفتده با - همچو جا

بخواهیم بفرستیم حاضر هستند زیرا وزارت خارجه مر کب از یکمده جوانان تربیت شده هستند که روح سیاست مملکت را بخوبی می دانند و از مجاری اوضاع امروزه هم کاملاً آگاهند و بعقیده بنده وضع این قانون خیلی لازم است برای اینکه سیاست آتیه مملکت بر همه معلوم و هم جوانهای عالم ما مشغول کار شوند غرض این است ما بتدریجه لازم است ما مأمور آزموده داریم که جای آنها بفرستیم

رئیس آقای حاج شیخ اسدالله آقای وحیدالملک موافقت (گفتند بلی)

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی موافقت باخیر ؟

حاج میرزا علی محمد - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - هر گاه اکثریت مجلس باین پیشنهاد موافقت کند و ماده اول را شامل کلیه مأمورین سیاسی قرار دهند آنوقت بنده مخالفم زیرا وقتی که بنام مأمورین سیاسی را خواهند تغییر دهند و احضار کنند آنوقت تمام سفارتخانهها تعطیل و کارها ناقص خواهد ماند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - تا بحال که آن ماده تغییر نکرده و یک پیشنهادی شده که نمی دانم در کمسیون قابل توجه می شود یا نه هجالتاً پیشنهاداتی که در ماده اول شده مقصود نیست مقصود ماده دوم است و اگر فرضاً آن پیشنهاد تصویب شود لازم شود

مأمورینی در خارجه داریم تغییر کنند اشخاص منتظر خدمت ولایقی در وزارت خارجه داریم که جانشین آنها بشوند و هیچ جای تاسف و نگرانی نخواهد بود فرضاً اگر در کمسیون قرار شد تمام مأمورین سیاسی احضار شوند باز اهمیتی ندارد و مابان اندازه اجزاء در وزارت خارجه داریم که جای آنها برونما بین مأمورین سیاسی فقط سفرا و مأمورین درجه اول هستند که اهمیت دارند و الا از آنها سکه گذشت نسبت بطیقات دیگر اشخاص لایق تری که منتظر خدمت هستند داریم که بجای آنها بفرستیم و فعلاً مذاکره راجع باین ماده است و بنده با این ماده کمال موافقت را دارم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده تصور می کنم ناماده اول مراحل خود را طی نکند ماده دوم مورد ندارد بجهت اینکه در این ماده دوم می نویسند این قانون کلیه نمایندگان سیاسی را شامل خواهد بود و مقصود از لفظ این قانون

اول است پس مادام که ماده اول مراحل خود را طی نکرده و شور اول دوم در او نشده و تصویب نشده است قانونیت پیدا نمی کند و داخل شدن در ماده دوم بی فایده خواهد بود و بنایه او را جعل بحث و مطرح مذاکره قرار داد

مخبر - بنده تصور میکنم بایک اصلاح عبارتی این ایراد آقای تدین رفع شود یعنی بجای لفظ این قانون نوشته شود مدلول ماده اول در این صورت تصور میکنم ایراد آقای تدین رفع شود

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

(اجازه)

آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - گویا آقای حاج شیخ اسدالله مقصود بنده را درست توجه نفرمودند بنده عرض نکردم اشخاص ندارم که بجای آنها بفرستیم بلکه اشخاص لایقی در وزارت خارجه هستند که می توانیم همه جا بفرستیم مقصود بنده این بود که اگر آن پیشنهاد تصویب شود آنوقت منحصر به پنج نفر وزیر مختار و سفیر نیست بلکه قنصلوها و ژنرال قنصلوها و آنها هم و مستشارها هم باید بعد از پنج سال توقف بایران بیایند آنوقت تصور می کنم قدری اشکال داشته باشد زیرا مقاد معنی آن این خواهد بود که تمام سفارتخانهها را تخلیه کنند و همه را یک مرتبه احضار کنند در این صورت اسباب زحمت خواهد شد و الا عرض نکردم اشخاصی نداریم مسئله برایشان گویا مشتبه شده است .

رئیس - آقای زنجانی موافقت

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بلی موافقم .

مخبر - با این ایرادی که آقای دولت آبادی فرمودند معلوم می شود در اصل موضوع مخالفتی ندارند فقط گویا مخالفت ایشان در طرز اجرای این ماده است موقعی که کمسیون این ماده را نوشت مقصودش فقط احضار رتبه بود و البته وقتی بنا شد که بکلیه مأمورین خارجه این مسئله تعلق بگیرد آنوقت نظر جدیدی اتخاذ و برای مصارفها بعضی محظورات در راپورت ثانوی که تقدیم مجلس میشود پیشنهاد خواهد شد

رئیس - در این ماده مذاکرات کافی نیست؟

(جمع گفتند کافی است)

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده قرائت می شود

(پیشنهاد آقایان زنجانی و رئیس - التجار بضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای زنجانی

بنده پیشنهاد میکنم که یک ماده باین قانون به ترتیب ذیل اضافه شود

اجراء این قانون در ظرف شش ماه پس از تصویب در مجلس عمل خواهد آمد

پیشنهاد آقای رئیس التجار

بنده پیشنهاد می کنم ماده سوم اضافه شود باین دو ماده وزیر خارجه مأمور است از تاریخ تصویب این قانون تا شش ماه در تعیین مأمورین جدید و احضار مأمورینی که این مواد شامل حال آنها می شود اقدام و اجرا نماید .

رئیس - پیشنهاد ها به کمسیون ارسال می شود شور اول تمام شد باید رأی گرفت که داخل در شور دوم بشوم یا خیر ؟

رئیس - آقایانیکه تصویب می کنند داخل شور دوم بشوم قیام فرمائید (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - قنصلون شورای عالی معارف مطرح است مذاکره در کلیات است آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - شورای عالی معارف از مؤسسه های بسیار مهم عالم است بواسطه اینکه وزارت علوم و معارف هر مملکتی کارخانه آدم سازی آن مملکت است و این کارخانه چهاررکن دارد اول اینکه کورا باید آدم کرد دوم آنکه کسی باید او را آدم بکند سوم آنکه بچه چپز باید او را آدم بکند چهارم آنکه بچه انداز که رسید آدم میشود بعبارت دیگر کسی باید تحصیل بکنند کسی باید او را تعلیم بدهد و چه باید باو تعلیم بدهد و تاجه حد باید تعلیم بگیرد ؟ و تنظیم و تنسيق و حل و تصفیه این چهاررکن را دستورات و نظامنامهائی که شورای عالی معارف ترتیب میدهد معین میکند بملاوه وظایف مهم زیاد دیگری هم شورای عالی معارف دارد پس اهمیت مقام و موقع خارج از تقریر و بیان خواهد بود و با این اهمیت موقع و مقام این مؤسسه بدبختانه بنده فصل تشکیلات این قانون را عملی ننیدانم و مخالف هستم بواسطه اینکه تقریباً بیست و دو نفر عضو برای این مؤسسه پیش بینی شده است که باید دارای سه شرط باشند اول اینکه چهار سال متوالی که چهل هشت ماه باشد خدمت بکنند دوم اینکه در تمام این مدت چهار سال یا چهار هشت ماه دیناری بابت حقوق مطالبه نکنند سوم آنکه همیشه وبدون تعطیل حاضر برای خدمت باشند و یک چنین ترتیبی امروز در مملکت ما ممکن نیست خوب بفرض سایر حاضرین آقای وزیر چگونه حاضر میشود و سایر کارهای وزارتی خودشان در چه وقت انجام می دهند کارهایی را که در آن ها مسئولیت مشترک دارند و مهم است چه می کنند ؟ آقای مدیر کل چگونه حاضر می شوند و کارهایی را که قانون اداری وزارت معارف در هفده ایشان گذارده است چه می کنند و دیگر روسای مدارس عالی و متوسط و دو نفر از معلمین مدارس عالی و

متوسط کارهای مدارس خود را چه وقت انجام می دهند و اگر بر بنده جواب داده شود که این مؤسسه دائمی نیست نهایت در هفته دوالی سه روز متعقد می شود با نهایت تاسف عرض میکنم این ترتیب هم عملی نیست اولاً این آقایان در این دوسه روز کارهای خود را چه میکنند ؟ ثانیاً چگونه در هفته دوالی سه روز آنهم اگر جمع به شوند دوساعت این همه کارهای مهم که اساس معارف است انجام داده میشود اگر یک مملکتی در دنیا هست که شورای عالی معارف او هفته دوسه روز یا کمتر تشکیل می شود آنجا ایران نیست شورای عالی معارف ایران باید شهاهم کار بکند باید ایام تعطیل هم کار بکند باید این رشته های از هم گسیخته را اصلاح کنند در هفته چهار ساعت بیست و دو نفر آدم هدین قدر است که یکی دو کلمه حرف بزنند و یا این چند ساعت این کارهای مهم انجام نگیرد آقای مخبر در جلسه سه شنبه نوزدهم جمادی الاول در مجلس تصدیق فرمودند که شورای عالی معارف در گذشته ابتدا کار نکرد و نتیجه از آن حاصل نشد و جلسات شایسته هفته یک روز متعقد می شد بنده اظهارات ایشان را عیناً در نظر دارم این شخص چه بوده است ؟ برای زیادی اشخاص و طول مدت و مجانی بودن کار بر حسب این مقدمات عقیده بنده این است که اعضاء شورای عالی معارف چهار الی پنج نفر از اشخاص عالم کافی با مواظب زیاد وقت هر چه می خواهد باشد که در یک گوشه بنشیند و این کار های مهم را از میان بردارد معارف باشند که وقت خواستند کمکی برای خودشان بگیرند بگیرند و بنده هم می توانم ضمانت کنم که دنیای متمدن از ایران گله نکنند که چرا طرز شورای عالی معارف شما این قسم است این عقیده عقیده شخص بنده بود که شاید مابین رفقای خود هم در اقلیت باشم همینقدر از آقای مخبر تمنا دارم که در صورت امکان قبول فرمائید که در کمسیون معارف مجدداً یک تجدید نظر و دقتی در فصل تشکیلات بشود معارف دیگر که در فصل تشکیلات این قانون بسیار مهم است این که بین اعضاء يك نفر از مجتهدین جامع الشرایط تعیین شده است بنده به هم خود را از اعضاء محترم کمسیون معارف بر این تمین تشکر می کنم

در شور اول در این باب طور دیگر عنوان شد از یک طرف عنوان روحانی شد و از یک طرف جواب داده شد که سایرین مسلمان نیستند و حال آنکه گفتگو بر هر مسلمان بودن سایرین نبوده البته همه مسلمان هستند ولی این فقط مسلمانانی کافی نیست اینجا علم هم می خواهد این صورت دورس مختلفه در ایام هفته است (ورقه ارائه نمودند) سال اول خانه شریات خالی سال دوم هم

چنین سال سوم و چهارم همین طور حالا نه این است که این دستور از روی بی دیانتی نوشته شده خیر نداشتند و نوشته اندیس اینجا علم هم می خواهد این جادستور برای تعلیمات معلمین و معصلین می نویسند بعضی از ناطقین محترم در اینجا توضیح دادند که مقام معلمی بالاتر از مقام ریاست انوزرانی است این مؤسسه باید از برای این معلمین دستور بنویسد مثلاً همین قسم که تا يك جغرافیادان کامل و ماهر در شورای عالی معارف نباشد نمی شود تعیین کرد که در هر سال معلمین هر کلاس و قسمت از جغرافیا را باید بخوانند همین قسم هم تا در این مؤسسه يك نفر مجتهد و مطلع از قوانین اسلامی نباشد نمیتوان تعیین کرد که در هر سال چه قسمت از شریات را باید معلم تعلیم نمود خلاصه بعقیده بنده بودن يك نفر مجتهد جامع الشرایط در شورای عالی معارف است هر چه بجز این است دو مطلب دیگر هم هست که باید برض آقایان برسانم یکی اینکه البته مبنای امور شوروی برا کثرت است و وقتیکه اکثریت اشخاص کبرای يك امری تعیین شده اند حاضر شدند مشغول کار می شوند و در صورتیکه تشکیلات این مؤسسه هم این نوع نباشد ممکن است شش ماه بگذرد و این يك نفر عالم حاضر نشود و شورا هم کار بکنند آنوقت در ترتیب دستورات و نظامنامهها اشکالاتی پیش خواهد آمد باینکه در ماده هفدهم قانون اساسی معارف که در سنه ۱۳۲۹ از مجلس شورای ملی گذشته نوشته شده است دستورات مدارس ابتدائی و متوسط باید تعلیم احکام اسلامی را نیز شامل باشد معارف در این دستوراتی که برای مدارس ابتدائی و متوسط نوشته شده از قراریکه شنیده ام تلا در مدارس معمول و مجری است اسمی از احکام اسلامی نیست در این دو دستوریکه در زمان وزارت آقای نصیرالدوله که بنده خدمت ایشان ترسیده ام یعنی در قوی نیل ۱۲۹۸ شمسی برای مدارس ابتدائی نوشته شده است یکی چهار ساله و یکی شش ساله افلاک اسمی از قران و شریات برده شده است ولی در این دستوریکه در سنه ۱۳۳۳ هجری قمری برای مدارس متوسطه نوشته شده از چهار سال از شش سال هیچ اسم فقه شریات اسلام دیانت برده نشده این جدول ساعات دروس آنها در ایام هفته است در سال اول خانه شریات خالی است سال دوم همینطور سوم و چهارم همچنین حالا نه این است که این دستور از روی بی دیانتی نوشته شده باشد کسانی که این دستور را نوشته اند از فقه و شریات ربطی نداشته اند آنوقت نتیجه این می شود که جوان مسلمان ایرانی از سن سیزده سالگی اسم فقه و دیانات و اسلام در مدرسه بگوشش نخورده است ولی در

عوض در ساعات مختلفه نقاشی می کرده است مگر این مملکت چند نفر نقاش می خواهد فرض کنید نقاشی هم مقدمه برای بعضی علوم عالی باشد و لیکن هر چیز باید یک حدی داشته باشد همچنین السنه خارجه از قبیل فرانسه و انگلیسی و آلمانی و روسی حالاً زبان فرانسه را می گیرند زبان علمی و زبان دیپلماسی است اما آری سایر دول هم باین اندازه زبان ما را می خوانند یا خیر ؟ سال اول هفته دوساعت نقاشی سال دوم هفته ۳ ساعت نقاشی سال سوم هفته سه ساعت و چهار ساعت پنج ساعت نقاشی و همچنین است السنه خارجه که تمام جدول را اشغال کرده است

مختبر - فقه و عربی هم دارد
شیخ الاسلام - خوب است در

صد نفر نود و پنج نفر نقاشی و زبان تحصیل کنند پنج نفر هم فقه بخوانند اگر ما همین ترتیب پیش برویم تا ده سال دیگر حکمت و قضیت که سهل است کسی نیست که بحث والشریعت را هم بداند و بکنفر نیست که آنکه و طاعت بگوید کسی بافت نخواهد شد که برای یک نیت نماز مسلمان بخواند و تمام امور بزین می نماید و تمام احکام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و مدنی اسلام که باید این مملکت را اداره کند از میان می رود مطالب دیگر آنکه بقیقه بنده بعضی از فقرات نوزده گانه فصل و وظایف شورای معارف حاکم شرع جامع شرایط لازم داد مل جزو سوم و چهارم از اجزای اربعه فقره سوم و مثل جزه دوم از دو جزه فقره هشتم و جزو سوم از سه جزه فقره نهم و فقره سیزدهم و فقره چهاردهم و فقره شانزدهم تمام اینها حاکم شرع جامع شرایط لازم دارد و زمین استیک و تهیه بودجه تعیین شهریه مدارس و اجراء شاگرد بخارجه و رسیدگی بدیلمهای خارجه و تصویب اعطای نشان علمی حاکم شرع جامع شرایط نمی خواهد ولی برهسکس بعضی از فقرات نوزده گانه ماده دوازدهم است که قبضه آن بدون حضور بکنفر حاکم شرع و مطلع از قوانین اسلامی شایسته و مناسب نیست مثلاً فقره چهارم که می نویسد تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلیه تحصیلات فنی و علمی مدارس ذکور و نثان و نظامنامه های مدارس و مثل فقره پنجم که می گوید تهیه دستور تحصیلات مدارس معلمین و معلمات و نظامنامه های راجعه بانها و مثل فقره هفتم که می نویسد تطبیق تألیفات مخصوصه بمدارس بادستورات رسمی ورد و قبول آنها و مثل فقره یازدهم که آنرا نیز می خوانم تشخیص صلاحیت اشخاصی که اجازه تالیف مدرس و امتیاز مجله و روزنامه می خواهند و مثل جزه اولی فقره دوازدهم تصدیق صلاحیت معلمین و معلمات و تهیه نظامنامه مخصوص

بديجعت بنده پیشنهادی شامل يك تبصره راجع به فصل وظایف تقدیم می دارم دیگر رد و قبول آن بسته بنظر آقای مختبر و آقایان نمایندگان است در خاتمه هم عرض می کنیم که بنده لزوم قید اول از ماده چهارم را نفهمیدم که میگویند خدمات نمایان بمعارف ممالک نموده باشند که اگر فرضاً جمال الدین افغانی آمد و خواست عضو شورای عالی معارف شود بعضی وقت قبول نکنند این مسئله ظلم است و بنده نفهمیدم فایده این شرط چیست همچنین در ماده دوم نوشته شده اساس شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست اینرا هم بنده نمی فهمم آیا مقصود این است که درب اطاقی که در آنجا شورای عالی معارف تشکیل میشود بسته نمی شود یا مقصود میز و صندلی و میبل آن اطاق است ؟ بموجب هراضی که خدمت آقایان نمایندگان کردم پیشنهادی نموده ام که قرائت می نمایم

تبصره - در مورد فقرات چهارم و پنجم و هفتم و یازدهم از فقرات نوزده گانه ماده دوازدهم قانون شورای عالی معارف و جزه اول از فقره دوازدهم آن ازوم حضور يك نفر حاکم شرع جامع شرایط است که میسیون معارف و این لایحه مغالفتی ندارد و اساساً موافقت دارد و اگر بخواهم جواب ایشان را عرض کنم تکرار مطالب می شود و در ضمن شور موافقت با بطور تفصیل توضیحات لازم و دادها و اصلاحات نمی دانم تکرار آن توضیحات را بنمایم فقط در نتیجه می توانم عرض کنم که کمیسیون معارف پیشنهاد آقای شیخ الاسلام را نمی پذیرد

رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه نطق)

امین الشریعه - بنده موافقم

رئیس - آقای وحید الملک (اجازه)

وحید الملک - از اظهاراتی که در جلسات قبل آقای مختبر در موضوع حذف ماده دوم قانون تشکیلات کردند چنین استنباط شد که در عرایض بنده در سه تفاهم شده یکی راجع به مخالفت بنده با اساس شورای عالی معارف بنده اصلاً از آن اظهارات در نظر نداشتم مغالفتی با اساس شورای عالی معارف کرده باشم و دیگر اینکه در ضمن تمجیدی که از کمیسیون معارف سابق کردم چنین استنباط شد که يك سوء تفاهمی از برای آقایان اعضاء کمیسیون معارف امروز یا بفرمایش آقای آقا سید فاضل سوء تفاهمی پیش آمده است بنده نظر سوئی نسبت بکمیسیون معارف نداشتم زیرا اثبات شییی نفی باهدانی کند بنده يك تمجیدی از اعضاء کمیسیون معارف مجلس دوم کردم و نخواستم خدای تعالی تقاضای آنرا از مجلس دوره

چهارم خدمتی کرده باشم عقیده بنده این است که مجلس دوم که مجلس دوم يك گروه نور و بر لبان یرقیمتی است در تاج مشروطیت ایران و تا تاریخ مشروطیت ایران وجود داشته باشد و تاریخ مجلس دوم تا قلم خیلی باب طالانوشته خواهد بود و در مقابل ماهست در مجلس دوم سه چهار کمیسیون بود که خیلی اهمیت داشت یکی کمیسیون معارف و یکی کمیسیون خارجه و یکی کمیسیون عدلیه کمیسیون بودجه هم با اهمیت بود ولی این سه کمیسیون مهم تر بودند سه نفر از آقایان اعضاء کمیسیون معارف آن دوره در اینجا حاضر هستند آقای مدرس و آقای سلیمان میرزا و بنده حقیر و سه نفر دیگر که اکنون غایبند آقای ذکاء الملک و آقای دکتر علیخان حکیم اعظم و آقای میرزا محمد علیخان ترتیب می باشند این آقایان در آن مجلس به امور معارف تخصص داشتند و انتخاب این کمیسیون هم از روی اکثریت و اقلیت مجلس نبود بلکه نماینده کلی افکار معارفی مجلس بود و آقایانی را که در امور معارف تخصص بودند - انتخاب کرده بودند در آن روزی که آقایان کمیسیون معارف را تشکیل دادند در اوایل سنه هزار و سیصد و بیست و هشت اگر در خاطر مبارک آقایان باشد مرحوم صنیع - الدوله وزیر معارف و آقای نیر الملک وزیر مالیه معاون بودند و لایحه به مجلس آوردند یکی قانون تشکیلات معارف و یکی هم قانون طبابت که بکمیسیون معارف ارجاع شد و کمیسیون معارف ترفیعات خیلی زیادی در دو موضوع کرد مخصوصاً قانون تشکیلات معارف که مجزی شده بمجلس آمد و جلسات چندی وقت مجلس را در گذراندن آن قانون تشکیلات صرف شد و بالاخره در بیست و هفتم شیمان هزار سیصد و بیست و هشت از مجلس گذشت و پس از گذشتن این قانون هم مثل سایر قوانین شده بنده بیست و هشت فقره از این قوانین را اینجا نوشته و یادداشت کرده ام که از مجلس اول دوم و سوم گذشته و هیچ مورد توجه نگردیده اند از این معوطه و از درب بهارستان بیرون رفته و توضیح بصره همایونی شده ولی هیچ مورد توجه نشده این قانون تشکیلات هم که بقیقه بنده یکی از بهترین قوانین بود که از مجلس دوم گذشت جزو همان قوانین شد یعنی هیچ مورد توجه واقع نگردید و بموقع عمل هم نیامد تا اینکه یاز سال که بنده متصدی امر معارف بودم دیدم بهتر از این قانون برای معارف قانونی ممکن نیست و در صدر بر آمد این قانون را بموقع اجرا بگذارم اگر چه بعضی اشکالات هم در کار بود یعنی بعضی شعبات که آنها را اداره می نمایند باید مطابق

این قانون دایر خود و آقایان رؤسا يك درجه تنزل کنند و بالاخره پس از زمان زیاد و جلب مباحثه های بسیار شدید نسبت بخدمت این قانون را بموقع عمل گذاشتم در ماده دوم این قانون يك زمین بسیار خوبی برای شورای معارف قید شده و تمام این مواد که امروز آقایان را می دهند از ماده يك تامه یازدهم تمام را می نویسند و اگر آقایان بصورت مفصل جلسات آنروز یعنی نطق آقای وزیر معارف عالی و خود بنده که دفاع میکردم ملاحظه فرمایند خواهند دید تمام این سؤالات بما توجه شد مثلاً در خصوص ذکر عده اعضاء میگویم که عده اعضاء را نمی شود ذکر کرد زیرا اگر عده اعضاء معین شود تولید اشکال می نماید

سلیمان میرزا و بنده حقیر و سه نفر دیگر که اکنون غایبند آقای ذکاء الملک و آقای دکتر علیخان حکیم اعظم و آقای میرزا محمد علیخان ترتیب می باشند این آقایان در آن مجلس به امور معارف تخصص داشتند و انتخاب این کمیسیون هم از روی اکثریت و اقلیت مجلس نبود بلکه نماینده کلی افکار معارفی مجلس بود و آقایانی را که در امور معارف تخصص بودند - انتخاب کرده بودند در آن روزی که آقایان کمیسیون معارف را تشکیل دادند در اوایل سنه هزار و سیصد و بیست و هشت اگر در خاطر مبارک آقایان باشد مرحوم صنیع - الدوله وزیر معارف و آقای نیر الملک وزیر مالیه معاون بودند و لایحه به مجلس آوردند یکی قانون تشکیلات معارف و یکی هم قانون طبابت که بکمیسیون معارف ارجاع شد و کمیسیون معارف ترفیعات خیلی زیادی در دو موضوع کرد مخصوصاً قانون تشکیلات معارف که مجزی شده بمجلس آمد و جلسات چندی وقت مجلس را در گذراندن آن قانون تشکیلات صرف شد و بالاخره در بیست و هفتم شیمان هزار سیصد و بیست و هشت از مجلس گذشت و پس از گذشتن این قانون هم مثل سایر قوانین شده بنده بیست و هشت فقره از این قوانین را اینجا نوشته و یادداشت کرده ام که از مجلس اول دوم و سوم گذشته و هیچ مورد توجه نگردیده اند از این معوطه و از درب بهارستان بیرون رفته و توضیح بصره همایونی شده ولی هیچ مورد توجه نشده این قانون تشکیلات هم که بقیقه بنده یکی از بهترین قوانین بود که از مجلس دوم گذشت جزو همان قوانین شد یعنی هیچ مورد توجه واقع نگردید و بموقع عمل هم نیامد تا اینکه یاز سال که بنده متصدی امر معارف بودم دیدم بهتر از این قانون برای معارف قانونی ممکن نیست و در صدر بر آمد این قانون را بموقع اجرا بگذارم اگر چه بعضی اشکالات هم در کار بود یعنی بعضی شعبات که آنها را اداره می نمایند باید مطابق

کنم نمیتواند دو سابق ما يك شورای عالی معارف داشتیم و مدت ده دوازده سال هم بود کم و بیش کار میکرد اما آری این شورای عالی معارف يك حصار فوق العاده میکرد خیر هفته یکساعت جلسه داشتیم و در آن یکساعت هم اغلب شررا اکثریت پیدا نمی کرده بلی آقایان اعضاء خیلی میل داشتند برای معارف کار کنند ولی کارهایی را که جزو وظایفشان بود در مقابل آن اجر میکردند مقدم می داشتند و باین ملاحظه شاید در ماه يك جلسه بیشتر نداشتم ولی باز تکرار میکنم شورای عالی معارف باید کما فی السابق از معصلین تشکیل شود بنده اسامی اشخاصی را که در آن دوره متخصص بودند عرض می کنم آقای ذکاء الملک - دکتر ولی الله خان - امیر اعلم - حاج سید نصرالله و يك عده اشخاص دیگری که خودشان حقیقه علم باین تخصص در فن بودند این قسم سؤالات اگر خاطر آقایان باشد در آن مجلس شد و تمامش با ادله و برهان رد شد و گفتیم عده نمیتوانیم تعیین کنیم زیرا عده متخصص معلوم نبود وزارت معارف

باید اشخاص متخصص بفن حاضر باشند تمام ماها می دانیم ساعت چند چرخ و چند عقربك دارد ولی هیچکدام نمی توانیم ساعت ساز لازم است همانطور که بنده با ماده واحده نمی توانیم مالیها را اصلاح کنیم همانطور هم بکنفر دانسته ام یا بکنفر دیگر که در مالیه خدمت کرده نخواهد توانست برای معارف يك پروگرام بنویسد باید اشخاص متخصص باشند بنده نظر آقای شیخ الاسلام را تقدیس می کنم که می - فرمایند برای نوشتن دستور فقه و شرعیات باید بکنفر مجتهد جامع شرایط یعنی متخصص در شییی در شورای عالی معارف باشد برای ادبیات فارسی هم باید بکنفر متخصص در فن ادبیات باشد که بدانند در فلان کلاس چند فارسی لازم است يك نفر ادیب خشک و خاصی این را نمی تواند مرتب کند و باید شخص متخصص در فن باشد آقای مختبر فرمودند قانون شورای عالی معارف بعضی ممالک را رتبه نودند بنده با نهایت توفیر سوال می کنم اعضاء شورای عالی معارف فرانسه چه نوع اشخاص هستند لابد در جواب بنده خواهید فرمود معلمین بزرگ معلمین دارالفنونهای پاریس یا سایر شهرها که تمام وقت خودشان را صرف امور معارف کرده اند و پیر شده اند و ریششان سفید شده فلان فلان نویسنده فلان فلان فیلسوف نمی تواند پروگرام برای مدرسه بنویسد اگر بفرمایند میتواند بنویسد بنده عرض می

یعنی چه ؟ آیا دانشمند کسی است که الف بای فارسی را خوب می داند ؟ یا کسی است که سیاست مملکت اطلاع داشته باشد یا اینکه باید هیئتی از ادباء و شعرا را جمع کنند و آنوقت پنج نفر از میان آنها انتخاب کنیم تازه وقتی که آن پنج نفر آمدند و نشستند معلوم می شود که از پروگرام مدارس اطلاع ندارند و آنوقت میچیزند برونند از اطراف چند نفر متخصص بیآورند و از متخصصین بعضی اطلاعات حاصل کنند ماده چهارم می گوید باید خدمات نمایان بمعارف مملکت کرده باشند آیا این خدمت را خدمت مادی می دانید یا خدمت اخلاقی ؟ آیا اگر بنده متعول بودم و صد هزار تومان برای امور معارف در طهران می دادم آیا این نسبت بمعارف خدمت بزرگی نیست ؟ آنوقت بنده حاضر را برای اینکه خدمت بمعارف کرده ام میرند و می گویند دستور برای مدارس بنویس آیا این منطقی است ؟

(جمعی گفتند بلی)

بنده جواب نمی خواهم و بعد از اتمام نطق خودم از درب اطاق بیرون می روم که جواب هم نشنوم اینها چیزهایی بود که در ماه شعبان ۱۳۲۸ بنده در کرسی نطق عرض می کردم و امروز هم همین عرض را می کنم که این قانون مسبب تشکیل شورای عالی معارف نخواهد شد این قانون را هم باید بوسید و گذاشت نزد سایر قوانین که از مجلس شورای ملی گذشته و اجراء نشده است

دیگر اینکه راجع بانتخاب اعضاء آقایان می گویند وزیر باید انتخاب کند بنده هم می گویم البته باید وزیر اعضاء تقیص آن را می نویسد که اگر در حین عملیات شورای عالی معارف یعنی در آن چهار سال یکی از اعضاء فوت کند یا استعفاء دهد خود شورای معارف بوزیر معارف چند نفر را پیشنهاد می کند و وزیر هم مجبور است از میان همان ها انتخاب نماید حالا بنده متصفانه از آقایان سؤال می کنم این در ماده قانون نافیس یکدیگر نیست ؟

(بعضی گفتند خیر)

بقیقه بنده ناقص است در ماده سوم شما وزیر را برای انتخاب اعضاء مختار میکنید و در ماده دیگر در همان موضوع بدیگری اختیار می دهند

آقای میرزا آشتیانی - در مجلس شورای ملی هم منظور است

وحید الملک - بلی همین طور است ولی آن يك امر سیاسی است سابق هم بود و بمجلس شورای ملی حق داده شده

بود ولی خود آقایان تصدیق می کنند که این مسئله مخالف با فلسفه انتخاب بود بلی مدت سه ماه که انتخاب در لایحه ممکن نیست تمام شود این حق را بمجلس داده ام ولی برای رفع مشکل و معظوری است والا خودتان تصدیق می فرمایید که این قسم انتخاب مخالف اصول مشروطیت و اصول قانون انتخابات است در این مورد انتخاب کننده وزیر است نه اعضاء شورا اگر شما وزیر را منتخب قرار می دهید پس دیگر چرا بمنتهی حق می دهید بنده در این صورت مخالف هستم و بنظر بنده این یازده ماده که آقایان ملاحظه می فرمایند تمام راجع بنظامنامه داخلی شورای معارف است این قانون دو موقع تولید بعضی معظورات و مشکلات می کند و چنانکه عرض کردم این یازده ماده باید جزو نظامنامه داخلی محسوب شود و با آقای وزیر معارف است که يك نظامنامه داخلی بنویسد و ملت دولت اعضاء نموده بوقع اجرا بگذارند حالا آمدیم سر ماده وهم قانون تشکیلات وزارت معارف آقای مختبر معترزم که ممکن نیست بنده در علم و سابقه ایشان راجع بمعارف مملکت تردیدی داشته باشم در ماده دوم آن قانون ایراداتی فرمودند یکی اینکه فرمودند حل غوامض امروز یعنی چه ؟ و هر يك از اعضاء کمیسیون امروز حاضر باشند معنی این کلمه را نمی فهمند بنده عرض می کنم من یکی از همانها هستم در موقعی که آقای فرمایش می فرمودند در جای خودم بیست و يك فقره غوامض امور معارف را نوشتم آنها را می خوانم و ممکن است برای هر يك يك ساعت توضیح دم و ثابت کنم جزو غوامض امور معارف است

رئیس - اگر مفصل است پس بماند برای جلسه دیگر

وحید الملک - بلی مفصل است و بنده یکساعت دیگر عرض دارم

رئیس - چون مدتی از شب گذشته بقیه نطق آقای وحید الملک می نمایند برای جلسه دیگر

(بعضی گفتند صحیح است)

وحید الملک - چون آقایان خسته شده اند می فرمایند صحیح است

رئیس - فرمودید بیست و يك فقره غوامض امور معارف است و در هر يك يك ساعت توضیح خواهد داد

وحید الملک - خیر تمام عرایض بنده یکساعت وقت لازم دارد

رئیس - جلسه آتی روز شنبه سه ساعت بشورب خواهد بود و دستور آن اولاً بقیه مذاکرات راجع بقانون شورای عالی معارف

ثانیاً - راپورت کمیسیون بودجه و همچنین از آقای رئیس الوزراء بعضی

کنم نمیتواند دو سابق ما يك شورای عالی معارف داشتیم و مدت ده دوازده سال هم بود کم و بیش کار میکرد اما آری این شورای عالی معارف يك حصار فوق العاده میکرد خیر هفته یکساعت جلسه داشتیم و در آن یکساعت هم اغلب شررا اکثریت پیدا نمی کرده بلی آقایان اعضاء خیلی میل داشتند برای معارف کار کنند ولی کارهایی را که جزو وظایفشان بود در مقابل آن اجر میکردند مقدم می داشتند و باین ملاحظه شاید در ماه يك جلسه بیشتر نداشتم ولی باز تکرار میکنم شورای عالی معارف باید کما فی السابق از معصلین تشکیل شود بنده اسامی اشخاصی را که در آن دوره متخصص بودند عرض می کنم آقای ذکاء الملک - دکتر ولی الله خان - امیر اعلم - حاج سید نصرالله و يك عده اشخاص دیگری که خودشان حقیقه علم باین تخصص در فن بودند این قسم سؤالات اگر خاطر آقایان باشد در آن مجلس شد و تمامش با ادله و برهان رد شد و گفتیم عده نمیتوانیم تعیین کنیم زیرا عده متخصص معلوم نبود وزارت معارف

استند .
شیخ الاسلام اصفهانی - اجازه میفرمائید
رئیس - بفرمائید
شیخ الاسلام - وعده فرمودید لایحه الحاق آب کارون بزیانده رود تحت شورتانی برود ولایعه اش هم طبع و توزیع شده است
رئیس - لایحه طبع و توضیح شده است ولی اعتراضاتی که پیشنهاد شده بود هنوز طبع نشده
مدرس - ضمیمه شده است
رئیس - راپورت را میفرمائید
مدرس - همین که امروز توزیع کرده اند
رئیس - راپورت غیر از اعتراضات است اعتراضات هنوز طبع و توزیع نشده آقای آقا میرزا محمد نجات (اجازه)
آقا میرزا احمد نجات - بنده تقاضا می کنم قانون بره کشی جزو دستور باشد
رئیس - از کمیسیون بر بگشته آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)
حاج میرزا مرتضی - برای این که تکلیف مسائلی که کمیسیون عرایض بعرض آقایان رسانده معلوم شود بنده تقاضا می کنم راپورت کمیسیون عرایض جزو دستور جلسه آتی شود
رئیس در این باب مخالفی نیست (گفته شد خیر)
رئیس جزو دستور می شود ولی باید با آقایان وزراء اطلاع داده حاضر باشند آقای مستشار السلطنه (اجازه)
مستشار السلطنه - عرض ندارم
رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)
ارباب کیخسرو - بنده خواستم تقاضا کنم اولاً راپورت کمیسیون عرایض جزو دستور شود زیرا مسئله بزرگی است و باید تکلیفی برای عرایض مردم معین شود و این نوع مسامحه کردن برای عموم ضرر دارد قسمت دوم که خواستم تقاضا نمایم جزو دستور شود مسئله تلگراف می بود که تجار اصفهانی راجع بشنوجات داخلی و بعضی مال التجاره ها کرده بودند این ها مسائل اساسی است و بسائل اقتصادی ما خیلی کمک می کند و قابل توجه است قسمت سوم که سابقاً هم عرض کردم این بود که آقایان وزراء برای جواب نمی شوند يك سوالی شده که گمان می کنم تأخیر جواب سبب خسارت می شود از آقای وزیر مالیه بعضی سئوالات شده که باید جواب بدهند و همچنین از آقای رئیس الوزراء بعضی

سئوالات شده است که از تأخیر آنها ممکن است ضررهائی وارد شود هیچ حاضر نمی شوند بنده نمی دانم علت اینکه از وزارت مالیه تا بحال کسی اینجا نیامده است چیست؟ اگر معذور دارند خوب است بگویند یکی هم مسئله جواهرات است که بنده سؤال کرده ام و شاید بنده و خیلی از آقایان منتظر نتیجه باشیم و بکفایت از آن راجع به يك جمعیه جواهری بود که عرض کردم باسم عباس نام در یکی از بانکهای سویس سپرده شده است

رئیس - اینها که جزو دستور نیست .
ارباب کیخسرو - مقصود این است که باید آقایان وزراء بیایند و جواب این مسائل را بدهند
رئیس - جناب عالی را جزو آن کمیسیون معین کرده اند خودتان قبول نکردید
مراسله از طرف دولت رسیده قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی
شیدانه ارکانه

نظر باینکه لازم است کمیسیونی برای رسیدگی بجواهرات و ذخائر سلطنتی تعیین شود و هیئت وزراء نیز لازم میدانند ۳ نفر از آقایان نمایندگان از طرف مجلس مقدس شورای ملی در کمیسیون مزبور عضویت داشته باشند

لذا خواهشمند است در صورت تصویب آقای مسادات و آقای حاج شیخ اسدالله و آقای ارباب کیخسرو را لطفاً دعوت فرمائید که عضویت کمیسیون مزبور را قبول و هیئت دولت را ممنون فرمایند

رئیس - آقای مستشار السلطنه
(اجازه)

مستشار السلطنه - بنده لازم تر می دانستم قبل از اینکه اشخاص محترم مداخله کنند نظریات و اطلاعات هیئت دولت بعرض مجلس برسد

رئیس - راجع بدستور است
مستشار السلطنه - خیر راجع بهمین رقعہ است که باید قرائت شد

رئیس - مذاکره در دستور است
آقای سلیمان میرزا
(اجازه)

سلیمان میرزا - راجع بدستور عرضی ندارم راجع باین مراسله عرض دارم .

آقا سید یعقوب - در جلسه گذشته قرار شد عریضه آقای قوام السلطنه جزو دستور جلسه امشب شود امشب هم تکلیفش معین نشد

رئیس - جزو دستور روز شنبه

می شود آقای حائری زاده
(اجازه)

حائری زاده - بنده استدعا دارم بشعبات تا کهد شود راپورت های خود را راجع بنمایند کمی آقایان تقی زاده و وثوق الدوله و آقای سید ضیاء الدین را برای جلسه دیگر حاضر نمایند

رئیس - آقایان تصویب میکنند پیشنهاد آقای حائری زاده جزو دستور باشد

بعضی گفتند خیر

رئیس - پس رأی می گیریم آقایانی که تصویب میکنند این مسئله جزو دستور باشد قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد دیگر راجع بدستور اظهاری هست یا نه؟

(اظهاری نشد)

رئیس - آقای سلیمان میرزا
(اجازه)

سلیمان میرزا - بنده با کاغذی که از طرف دولت رسیده مخالف هستم زیرا اخیراً می بینم هر سئوالی می کنم و هر چه می خواهم فوری جوابش کمیسیون است اگر سؤال کنیم مالیه مملکت چه شده می گویند کمیسیون باید معین شود اگر بگوئیم بانک چه ترتیبی دارد می گویند باید کمیسیونی معین شود جواهرات سلطنتی چه شده کمیسیون معین کنید اگر بیرسیم کمیسیون جواب این است که شما کلاهما مشارکت کنید و دیگر رسدایتان بلند نشود در -

صورتی که قوه مقننه و قوه مجریه از هم منفکند و باید ناظر یکدیگر باشند یکی راپورت بدهد و دیگری در آن راپورت تحقیقات کند دولت می تواند کمیسیونی از اجرای دربار و مالیه هر طور بخواهند و بهر کس اعتماد دارد معین کند به نشینند

رسیدگی و راپورت بدهند و البته مجلس هم حق تفتیش در کلیه اعمال را دارد و پس از اینکه دولت راپورت داد اگر مجلس خواست چند نفر از و کلا معین می کند تفتیش می کنند در خصوص سؤال آقای ارباب کیخسرو یعنی جواهرات و ذخائر سلطنتی همه ما موافق هستیم و باید دید ترتیب مالیه مملکت چگونه است و بمقیده بنده ما برای اینکه کار دولت را بکنیم معین نشده

اگر بنا باشد هر کاری را و کلا بکنند بکار و کالت نمی توانند برسند و آنوقت جواب آقایان نمایندگان هم این خواهد بود که فلان و کیل هم در آن کمیسیون بود

بنابر این باین نوع کمیسیون ها مخالف هستم و گمان می کنم ما باید کاملاً وظایف نمایندگان خودمان را انجام بدهیم و بگوئیم هیئت دولت مأمور دارد و قویه

مجریه دولت است باید تحقیقات بکنند و راپورت بدهد بعد مادر آن تفتیش کنیم گذشته از این آن کاغذ شکل خاصی هم پیدا کرده و اسامی اشخاصی را هم معین کرده اند و سه نفر مخصوص را هم اسم برده اند و هنوز از مجلس معین نشد حالا روزنامهها اعلان کرده اند که سه نفر از و کلا برای عضویت این کمیسیون معین شده اند بنده این ترتیب را خوش نمی دانم و مقیده ام این است که نباید عضویت این کمیسیون را قبول کرد و اگر آقایان با بنده موافقت فرمایند در جواب بدولت بنویسند قوه مجریه مسئول این ترتیبات است و باید شما خودتان ببیند جواهرات را کی برده و مالیه مملکت را کی حذف و میل کرده است بما راپورت بدهید بعد اگر ما خواستیم تفتیش کنیم مطابق قانون و حقی که داریم تحقیق کنیم والا این ترتیب تقریباً مداخله در قوه مجریه است

رئیس - راجع بدستور دیگر مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)
رئیس مجلس - موتمن الملك

جلسه ۷۸

صورت مشروح مجلس

یوم شنبه یازدهم رجب

۱۳۴۰ مطابق پنجم برج

حوت ۱۳۰۰

مجلس تقریباً دو ساعت ونهم قبل از غروب بریاست آقای موتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنجشنبه هجدهم حوت ۱۳۰۰ را آقای سهام السلطان قرائت نمودند

رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)

حائری زاده - بنده در جلسه قبل عرض نکردم که راپورت شعب راجع با آقایان وثوق الدوله و تقی زاده و سید ضیاء الدین جزو دستور بگذازند عرض کردم شعب تا کهد شود که راپورت آنها را حاضر کنند و بمجلس تقدیم نمایند تا رد و قبول آنها معلوم شود

رئیس - مذاکرات راجع بدستور بود و شما تقاضا کردید جزو دستور شود آقای سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در جلسه قبل عرض کرده بودم که عریضه قوام السلطنه جزو دستور گذاشته شود و در صورت مجلس هیچ ذکری از آن نشده است

رئیس - اصلاح میشود آقای حاج میرزا علی محمد

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - راجع بمخالفتی که بنده در ماده کرده بودم و این